

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۷۴

جمعه ۵ مرداد ۱۳۹۶، ۲۷ جولای ۲۰۱۸

حمید تقوایی

## حرف آخر را مردم میزنند نگاهی به جنگ لفظی میان فاشیسم آمریکائی و فاشیسم اسلامی

بالا گرفتن جنگ لفظی بین دولت ترامپ و مقامات جمهوری اسلامی یک بار دیگر موضوع سیاست دولت آمریکا در قبال رژیم اسلامی را در مرکز توجه افکار عمومی و در رسانه ها و مدیای اجتماعی قرار داده است. در رسانه های آمریکائی منتقد ترامپ، یعنی اکثر رسانه های آن کشور، موضوع در چهارچوب "افتضاحات و رسوائی های" اخیر ترامپ بویژه در مذاکرات هلسینکی و رابطه اش با پوتین و بعنوان ترفندی برای منحرف کردن اذهان از این افتضاحات مطرح میشود و در مقابل، موافقین معدود ترامپ آنرا نشانه قدرت و عزم دولت آمریکا علیه جمهوری اسلامی و تروریسم اسلامی در منطقه میدانند.

در ایران مساله ابعاد دیگری دارد. در اینجا اساسا مقابله مردم با رژیم اسلامی است که به فضای سیاسی شکل میدهد. بدنبال مقابله لفظی بین دو دولت از یکسو در طوفان تویتری هشتگ "جمهوری اسلامی باید برود" داغ شده است و از سوی دیگر حکومتی ها و مدافعین وقیح و یا شرمگین جمهوری اسلامی فرصتی برای کوبیدن بر طبل ضد آمریکائی گری و هشدار در مورد دخالت آمریکا در امور داخلی ایران و غیره یافته اند. اما واقعیت چیست؟ چه علل و اهدافی موجب بالاگرفتن این جنگ لفظی شده است؟ این تنش به کجا خواهد انجامید؟

تا آنجا که به روابط میان دو دولت مربوط میشود اساس مساله تنظیم روابط جدید پس از خروج دولت آمریکا از برجام است. ترامپ بارها اعلام کرده است که میخواهد جمهوری اسلامی را بر سر میز مذاکره با شرایط جدید بکشد. او حتی روز بعد از توثیت اش که خطاب به روحانی گفته بود "هرگز ایالات متحده را تهدید نکن، وگرنه بلایی سرتان خواهد آمد که کمتر کسی در تاریخ متحمل شده است" اعلام کرد "آماده یک توافق واقعی با ایران هستیم." چندی قبل نیز مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا صریحا اعلام کرده بود که دولت متبوعه اش قصد تغییر رژیم ایران را ندارد. موضعی که به مذاق نیروهای اپوزیسیون راست جمهوری اسلامی که به ترامپ دخیل بسته اند خوش نیامد.

صفحه ۶

# تشکیل واحدهای حزب در ایران

گفتگو با شهلا دانشفر دبیر کمیته سازمانده حزب صفحه ۲

شهلا دانشفر

## کارگران در هفته ای که گذشت

صفحه ۳

### بازتاب هفته؛

- "بازار ثانویه ارز" و ارز سه نرخی- محمد شکوهی  
- طناب های دار سوزانده می شوند!- حسن صالحی  
- "دم شیر" مردانه جمهوری اسلامی!- حسن صالحی  
- حمله به مراسم یادبود شاملو- کاظم نیکخواه

صفحه ۴

کاظم نیکخواه

## چپ اسلامی

صفحه ۱۰

## حقوق بشر و قانون اساسی

صفحه ۱۱

پرسش هایی از علی جوادی

## رانندگان کامیون بار دیگر اعتصاب سراسری خود را شروع کردند رانندگان شورای هماهنگی اعتصاب تشکیل دادند

صفحه ۱۴

## تجمع سراسری بازنشستگان در مقابل مجلس دشمن ما همینجاست!

صفحه ۵

## مردم برازجان علیه بی آبی دست به تجمع زدند

صفحه ۵

## هشدار جدی در باره خطر اعدام

رامین حسین پناهی و زانیار و لقمان مرادی صفحه ۹

## کارگران تراورس راه آهن دست به اعتصاب سراسری زدند

صفحه ۱۰

## اعتراضات کارگری به موازات خیزش های شهری ادامه دارد

صفحه ۱۳

## شوراهای سازماندهی اعتراضات را

## در همه جا ایجاد کنیم

صفحه ۱۴

# تشکیل واحدهای حزب در ایران

## گفتگو با شهلا دانشفر دبیر کمیته سازمانده حزب



**خلیل کیوان:** حزب کمونیست کارگری ایران در اطلاعیه ای بتاريخ ۱۳ تیرماه اعضا و دستداران حزب را به تشکیل واحدهای حزبی فرا خوانده است. در این اطلاعیه گفته شده است که از مقطع دیماه ۹۶ جامعه وارد فاز تازه ای شده است و به بن بست کامل رژیم و آمادگی توده های مردم برای متشکل شدن اشاره شده است. کسی که اوضاع سیاسی ایران را دنبال میکند به این شرایط اذعان دارد. آیا بن بست رژیم، اعتراضات گسترده و آمادگی مردم برای متشکل شدن دلایل کافی برای ایجاد واحدهای حزبی هم هست؟

**شهلا دانشفر:** سازمان حزب از شرایط حاضر نتیجه نمیشود، بلکه دلایل پایه ای تری دارد. اما روند انقلابی و پر جنب و جوش اوضاع بر وجود یک حزب قدرتمند و بر سازمانیابی حزبی وسیع و گسترده به عنوان یک پاسخ سیاسی صد چندان بیشتر تاکید میگذازد. به عبارت روشنتر سازمانیابی حزبی جایگاه استراتژیک تری برای جارو کردن بساط سرمایه داری حاکم و ساختن جامعه ای آزاد و انسانی و پیروزی سوسیالیسم دارد. از همین رو ایجاد جمع های حزبی در واقع همیشه و از بدو تشکیل حزب در دستور ما بوده است. اما در اوضاع کنونی سیاست حزب گسترش این سیاست و تشکیل واحدهای حزبی بعنوان سلولهای پایه ای حزب در ایران است.

طبقه کارگر برای گرفتن قدرت سیاسی و ایستادن در مقابل بورژوازی حزب لازم

دارد. کارگران می توانند برای سازماندهی اعتراضاتشان انواع تشکلهای کارگری از جمله سندیکا، مجمع عمومی و شوراهایشان را ایجاد کنند و در مبارزات روزمره شان حق و حقوقی را هم از بورژوازی بگیرند و حتی رفرم هایی را هم تحمیل کنند که همه اینها لازم و ضروری هستند و گامهای مهمی است که سرمایه داری را به عقب میراند. اما اینها همه به هیچ وجه کافی نیستند! برای ریشه کن کردن استثمار و برای رهایی جامعه، طبقه کارگر باید در عرصه سیاست نمایندگی شود و پرچم اش را بلند کند تا اینکه بتواند خود و جامعه را آزاد و رها سازد. و این معنایی جز متشکل شدن در حزب سیاسی طبقه کارگر، یعنی حزب کمونیستی ندارد.

به عبارت روشنتر برای اینکه جمهوری اسلامی را بیندازیم و جامعه را از شر توحش سرمایه داری حاکم رها کنیم و برای ایجاد جامعه ای آزاد و برابر و انسانی، به حزب نیاز داریم و برای پاسخ دادن به این نیاز پایه ای و با چنین چشم اندازی است که حزب کمونیست کارگری ایران تشکیل شده است. به این معنا حزب، شکل و سازمان مبارزه برای رهایی طبقه کارگر و کل جامعه برای زیر و رو کردن بساط سرمایه داری حاکم و به پیروزی رساندن سوسیالیسم است. از همین رو کسی که از جمهوری اسلامی متنفر است و از وضع موجود به تنگ آمده است، کسی که قبول میکند تبعیض و نابرابری و استثمار ضد انسانی است و بدنمال راه رهایی میگردد، اولین گامش پیوستن به حزب است. و این حقیقتی است که ما سعی میکنیم روشن و صریح در مقابل جامعه بگذاریم.

در اوضاع متحولی چون امروز که جامعه چنین در التهاب مبارزه بسر میبرد، مردم

در جنبش های اعتراضی جاری در جامعه و در عرصه های مختلف مبارزه دید. طبعاً این کار از طریق بردن گفتگان های چپ و کارگری و در همین راستا بردن سیاستهای روشن و شفاف حزب به درون جامعه صورت گرفته است. از جمله یک ابزار ما برای این کار تلویزیون ۲۴ ساعته کانال جدید بوده است که ۱۴ سال است فعالیت میکند و نقش شگرفی داشته است. اما بخش مهم دیگر آن از طریق میدانی و تشکیلات حزب در داخل صورت گرفته است. که همین جا لازم میدانم صمیمانه از اعضا و کادرهای حزب به خاطر فعالیتهای خستگی ناپذیرشان قدردانی کنم. بنابراین بحث به هیچوجه بر سر این نیست که تازه به فکر سازماندهی حزبی افتاده ایم، بلکه بحث بر سر خطر بودن اوضاع و نقش سازمان حزب در داخل کشور در سازماندهی انقلابی است که در راه است. برای مثال هم اکنون بسیاری از دستداران حزب همچنان بصورت فردی فعالیت میکنند. ما وظیفه داریم و میتوانیم بخش هر چه وسیعتری از این فعالین را در سازمان حزب در داخل کشور متشکل کنیم. و این یکی از مهمترین اقداماتی است که در شرایط کنونی در مقابل اعضا و فعالین حزب قرار دارد.

**خلیل کیوان:** سئوالات بسیاری در این مورد طرح میشود؛ از جمله اینکه مگر تا کنون حزب در داخل بصورت متشکل فعالیت نمیکرده است؟ یا اینکه چه ضرورتی باعث میشود که تشکیل واحدهای حزبی اکنون بطور علنی و با صدور اطلاعیه اعلام شود؟ آیا فراخوان علنی باعث حساس شدن نیروهای امنیتی رژیم و ایجاد خطر برای فعالین نمی شود؟

**شهلا دانشفر:** علت این فراخوان مطرح کردن پیوستن به حزب و به صورت واحدهای حزبی متشکل شدن در یک مقیاس کلان اجتماعی است. یعنی نه صرفاً از طریق عضوگیری بوسیله اعضای واحدهای موجود، بلکه در یک سطح وسیع عضو شدن و متشکل شدن حزبی هرکسی که سیاستهای حزب را قبول دارد و میخواهد فعالیت کند. طبعاً بخاطر شرایط انقلابی حاضر است که این فراخوان ضروری و ممکن شده است.

همانطور که اشاره کردم حزب از همان مقطع تشکیلش برای ایجاد تشکیلات خود در داخل تلاش کرده و پیشروی های خوبی هم داشته است. از جمله امروز با شاخص های قابل رویت و اجتماعی ای میتوان نقش و جایگاه حزب را

سرنگونی رژیم اسلامی جاری شده است و این میتواند بستر شکل گیری رهبری انقلابی در جامعه باشد. تلاش ما تثبیت موقعیت و نفوذ حزب در روند انقلابی جاری است. فراخوان به تشکیل واحدهای حزبی و فوکوس بر امر سازمانیابی حزبی، پاسخ سیاسی و فوری به شرایط موجود و یک کارزار مبارزاتی مهم ما در این دوره است. از همین رو حزب وظیفه و امر فوری خود میداند که نیروهایش را در سطح سراسری سازماندهی و آماده پاسخگویی به این اوضاع بکند. از همین رو حزب از تمامی اعضای حزب بصورت تک نفره مرتبط هستند میخواهد که فوراً نیروهای پیرامونی خود را جمع کنند و واحدهای حزبی شان را تشکیل دهند. همچنین از واحدهای حزبی موجود میخواهد که عضو گیری وسیع را در دستور کار خود قرار دهند و اعضای جدید را بصورت واحدهای حزبی سازمان دهند و هدایت کنند. و بالاخره اینکه از همه فعالین جنبش کارگری و سایر جنبش های اجتماعی میخواهد که به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندند.

اینکه آیا فراخوان علنی باعث حساس شدن نیروهای امنیتی رژیم میشود یا نه، لازمست اشاره کنم که ما همیشه سیاستهایمان را در رابطه با شکل سازماندهی حزب در ایران علناً انتشار داده ایم. ما حزب را تشکیل داده ایم که جمهوری اسلامی را سرنگونانده و باید برای آن سازمان ایجاد کرد و این موضوع بر هیچکس پوشیده نیست. خصوصاً اینکه ما حزب را در دل اعتراض و مبارزه سازمان میدهیم و این خود باعث موقعیت قوی واحدهای حزبی در پیشبرد امر مبارزه شان میشود. به هر درجه که واحدهای ما اجتماعی تر کار میکنند به همان درجه امنیت و ادامه کاری آنها بیشتر است. به عبارت روشنتر فراخوان علنی ما به تشکیل واحدهای حزبی یک اقدام سیاسی مهم است. یعنی همانطور که ما منشور انقلابیمان را انتشار میدهیم، باید فراخوان به سازمانیابی حزب و ایجاد واحد

شهلا دانشفر

## کارگران در هفته ای که گذشت



هفته ای که گذشت یک هفته پر تحرک از اعتراضات کارگری بود. تجمع بزرگ بازنشستگان مقابل مجلس، ادامه اعتراضات کارگران راه آهن در شهرهای مختلف و در سطحی سراسری در کنار اعتراضات کارگری بسیاری در مراکز مختلف در جنوب و در شهرهای مختلف فضای ملتهب جنبش کارگری را به روشنی نشان میدهد. بویژه دور دوم اعتصابات قدرتمند رانندگان کامیون و ابعاد اجتماعی این اعتراضات، تحرک و بحث بر سر به راه انداختن اعتصابات سراسری کارگری و ممکن بودن آنها شدت داده است. نگاهی به این سرتیترهای مهم داشته باشیم.

### تجمع سراسری بازنشستگان مقابل مجلس برگزار شد

روز ۳۱ تیر بنا بر قرار قبلی جمعیت کثیری از بازنشستگان برای پیگیری خواستههایشان در مقابل مجلس تجمع کردند. در این حرکت اعتراضی بازنشستگان با شعارهایشان و با پوسترهای زیبایی که بر روی آنها خواستههایشان را نوشته بودند، اعتراض خود را به ادامه وضع موجود فریاد زدند.

بازنشستگان در این روز بار دیگر با شعارهایی چون معیشت، منزلت، سلامت، حق مسلم ماست، حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی، معلم زندانی آزاد باید گردد، یه اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه، دشمن ما

همین جاست دروغ میگن آمریکاست، سوریه را رها کن فکری به حال ما کن، مجلس بی کفایت تعطیل باید گردد، خط فقر ۵ میلیون حقوق ما یک میلیون، این فیش حق ما نیست، یکصدا فریاد اعتراضشان را علیه فقر، علیه گرانی، علیه اختلاسها، علیه سرکوبگری های حکومت، علیه دستمزدهای چند بار زیر خط فقر اعلام کردند. خواستههای فوری بازنشستگان افزایش حقوقها به بالای خط فقر، درمان رایگان، تحصیل رایگان، آزادی معلمان زندانی و داشتن یک زندگی انسانی است. در این روز بازنشستگان با شعار تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم، به تجمع اعتراضی خود پایان دادند.

گفتنی است که در ۳۱ تیر ماه همچنین شماری از بازنشستگان صنعت فولاد از شهرهایی چون کرمان، اصفهان، مشهد، مبارکه، زیرآب، طبس، سمنان، شاهرود، سنگرود در مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد در اعتراض به سطح نازل حقوقها، عدم پرداخت بموقع آن و عدم برخورداری از بیمه های اجتماعی چون درمان رایگان و نیز تحصیل رایگان برای فرزندانشان دست به تجمع زدند.

در شرایطی که جامعه علیه فقر و تبعیض و نابرابری پیا خاسته و حق داشتن زندگی ای انسانی را فریاد میزند، در شرایطی که مردم هر روز در این شهر و آن شهر بر سر مسائل پایه ای معیشتی شان پیا خاسته و چشم اندازی از قیامهای شهری را در مقابل خود داریم، تجمعات سراسری کارگری و اعتصابات سراسری آنان

نقش مهمی در تعمیق این مبارزات و متحد شدن کارگران و کل مردم حول خواستههای سراسری شان دارد.

بازنشستگان با مبارزات درخشانشان در سالهای اخیر و با شعارهای اعتراضی شان علیه فقر، علیه تبعیض و نابرابری و علیه بساط دزد سالار حاکم، به سهم خود نقش مهمی در جلو آوردن خواستههای رادیکال و انسانی در مبارزات کارگری داشته اند. خواستهها و مبارزات بازنشستگان بطور واقعی بیانگر اعتراض کل جامعه به توحش سرمایه داری حاکم است و شایسته بیشترین حمایت هاست.

### اعتصابات قدرتمند رانندگان کامیون الگویی برای اعتصابات سراسری کارگری

همراه با اعتراضات کارگری که هر روز دامنه اش گسترده تر و سراسری تر شده و از در پیش بودن موجی از اعتصابات سراسری کارگری نشان دارد، بخش های دیگر جامعه نیز با اعتراضات سراسری شان دارند به میدان می آیند. یک نمونه بارز اعتصاب قدرتمند رانندگان کامیون و کامیونداران است که به سهم خود جایگاه سیاسی مهمی در این اوضاع دارد. رانندگان کامیون و کامیونداران بدلیل عدم پاسخگویی به خواستههایشان از روز اول مرداد ماه دور دوم اعتصابات سراسری خود را آغاز کرده اند. این اعتراضات با قدرت به جلو میروند و از جمله در دومین روز آن در ۲۵ استان جریان داشته است. اعتراض رانندگان و کامیونداران به طور واقعی اعتراض علیه فقر، گرانی و بی تامینی های بازاری از در هم

ای است که امروز بر گرده کل جامعه حاکم است. اعتراض آنان به بساط دزدی و فساد و زورگویی و رشوه خواری ماموران حکومتی است که کار آنها را با مشکلات فراوانی روبرو کرده و حتی بعضا تمام هست و نیستشان را از دست داده اند. رانندگان کامیون و کامیونداران خواستههای خود را بصورت بیانیه اعلام کرده اند. از جمله آنها خواستار افزایش دستمزد رانندگان و مزایای شغلی چون حق ماموریت و بدی آب و هوا، ایمنی جاده ها که هر سال شمار بسیاری قربانی میگیرد و ایجاد تسهیلات رفاهی و بهداشتی در پایانه های شهری و مرزی و همچنین کوتاه شدن فوری دست دلان و جمع شدن این بساط دزدی و رشوه خواری هستند. ابعاد اجتماعی اعتصابات رانندگان کامیون و کامیونداران جایگاه سیاسی مهمی به آن داده است و گفتمان داغی بر سر اعتصابات سراسری کارگری علیه فقر و علیه جهنمی که جمهوری اسلامی به پا کرده به راه انداخته است.

اعتصابات قدرتمند رانندگان کامیون و کامیونداران در کنار اعتراضات هر روزه کارگری، در کنار خیزش های اعتراضی مردم در این شهر و آن شهر به خاطر محرومیت های مردم از ابتدایی ترین نیازهای زندگی چون آب، برق، مسکن و نیز علیه فقر، تبعیض، نابرابری و بساط دزدسالاری کل بساط توحش و بربریت حاکم، نشان از این دارد که اوضاع بسرعت به سمت یک خیزش عمومی دیگر میروند. با این تفاوت که این بار مردم سازمانیافته تر و با خواستههای متعین تر و روشن تری به میدان آمده و مبارزات آنان عمق بیشتری پیدا کرده است. این اعتراضات همچنین نشانه های بازاری از در هم

ریختگی اقتصادی و سیاسی موجود در ایران و در هم ریختگی حکومتی است که توان به جریان انداختن هیچ روال عادی ای در جامعه را ندارد. حکومت اسلامی باید گورش را گم کند و برود.

### شورای هماهنگی اعتصاب، تجربه ای آموختنی

اعتصابات قدرتمند رانندگان کامیون و کامیونداران به لحاظ سازمانیافتگی و دامنه وسعتش الگویی آموزنده برای کل جامعه است. از جمله در جریان این اعتصابات رانندگان کامیون در چندین استان شوراهای هماهنگی اعتصاباتشان را شکل داده اند که در واقع نقش کمیته های اعتصاب را ایفاء میکنند. بعلاوه رانندگان کامیون و کامیونداران گروههایشان را در تلگرام دارند و این گروهها نقش مهمی در ارتباط شوراهای هماهنگی اعتصاب با بدنه رانندگان کامیون و کامیونداران داشته و بصورت دفتری دایر آنها را در ارتباطی دائم با یکدیگر قرار میدهد و از این طریق بیشترین اطلاع رسانی ها میشود. باید این تجربیات را آموخت. میشود شوراهای هماهنگی اعتصابات را در همه جا و در تمام مراکز کارگری شکل داد و سازمانیافته و متحد به استقبال اعتصابات سراسری رفت. از جمله میشود آنها را در مراکز مختلف نفت، پتروشیمی ها، راه آهن، آتش نشانی، مخابرات، برق، شهرداری ها و در میان معلمان و بخش های وسیعی از جامعه ایجاد کرد. با ایجاد شوراهای هماهنگی اعتصابات، با شکل دادن به کمیته های اعتصاب به تدارک سازماندهی اعتصابات سراسری کارگری برویم.

امروز در متن تظاهراتهای گسترده ای که



## بازتاب هفته (زیر نظر کاظم نیکخواه)

محمد شکوهی

### "بازار ثانویه ارز" و ارز سه نرخي

داستان مافیای اقتصادی جمهوری اسلامی این روزها بیشتر سرزبانها افتاده است. از واردات بی رویه و انحصاری ماشین الات لوکس گرفته تا سلاطین سکه و ارزهای انحصاری در "بازار ثانویه ارز" همه به موضوع بحث مردم تبدیل شده است. این هفته سیف رئیس بانک مرکزی جمهوری اسلامی قبل از اینکه از بانک مرکزی برود بخشنامه ارزی

در باره قیمت ارزهای خارجی و راه اندازی "بازار ثانویه" را صادر کرد که در آن رسماً اعلام شده قیمت ارز در بازار ثانویه ۷۴۰۰ تومان خواهد بود. این بخشنامه در حالی صادر شده که قیمت دلار در بازار آزاد به بالای ۹ هزار تومان رسیده است. معنای این سیاست اینست که معامله کنندگان این بازار کذایی که اکثراً آقازاده های مفتخور هستند در هر دلار همان ضرب اول حدود ۲۰۰۰ تومان سود به جیب میزنند. در کنار این قیمت های دلار، بانک مرکزی حکومت عملاً ارز سه نرخي دولتی، آزاد و معامله ای را جزو سیاست

های ارزی اش اعلام کرده است.

بانک مرکزی، دولت و مافیای ارزی یعنی باندهای حکومتی کل بازار ارز را در دست دارند و روزانه میلیاردها تومان درآمد از طریق فروش ارز های خارجی، نصیب شان می باشد. ماجرای راه اندازی "بازار ثانویه ارز" هم یک ترفند جدید بانک مرکزی و مافیای ارزی برای تضمین درآمدهای هنگفت تر از قبل برای مافیای اقتصادی حکومت است. بشنوید روایت بانک مرکزی از راه اندازی "بازار ارز ثانویه" را! میگویند تنها صادرکنندگان و وارد کنندگان در آن می توانند معامله کنند. به گفته محمد مهدی رئیس زاده مشاور بانکی اتاق بازرگانی در این بازار وارد کنندگان و

صادرکنندگان بدون آنکه دولت در نرخ گذاری دخالتی کند بر سر قیمت ارز با هم توافق می کنند. براساس اعلام بانک مرکزی، ارز وارد کنندگان، از سوی صادرکنندگان خرد تامین خواهد شد و صادرکنندگان بخش خصوصی می توانند ارز حاصل از صادرات خود را با قیمت توافقی در سامانه جامع تجارت و یا سامانه تامین ارز (نیما) به وارد کنندگان بفروشند. در این نوع معامله کف و سقفی برای خرید و فروش ارز از طرف دولت تعیین نشده است.

اینها توضیحات و توجیهات مقام بانک مرکزی است که به خوبی نشان می دهد که دولت و بانک مرکزی چه نقشه ای برای نگه داشتن بازار ارز در کنترل خود و در بالا نگه داشتن

قیمت ارز دارند. همه میدانند که گرانی دلار و سایر ارزهای خارجی، مستقیماً در بالا رفتن قیمت کالاهای اساسی و همه قیمت ها نقش دارد. گرانی مایحتاج عمومی و گرانتر شدن هر روز کالاهای مورد مصرف مردم از جمله نتیجه این سیاستها می باشد که هزینه زندگی و تامین معیشت و فراتر از همه قدرت خرید میلیونها کارگر و حقوق بگیر را می بلعد. "بازار ثانویه ارز" حکومت، بازار قاچاقچیان رسمی و غیررسمی ارزی حکومت می باشد که هدفش نهادینه کردن قاچاق ارزهای خارجی، بالا نگه داشتن قیمت ها و نهایتاً تحمیل گرانی های هر چه بیشتر بر گرده مردم فقیر می باشد.

هنوز جملهی دوم بیانیه را نخوانده بود که ناگهان چندین مامور به سوی او و روزبه سوهانی یکی از اعضای کانون نویسندگان یورش بردند و با ضرب و جرح آنها را به داخل گورستان کشیدند. در این حمله ماموران موبایل چند نفر را که مشغول فیلم گرفتن یا عکسبرداری بودند از دستشان درآوردند و جوانی را که مقاومت کرد کشان و جوانی با خود بردند، پوسترها را پاره کردند و سپس به پراکنده کردن جمعیت مشغول شدند. جمعیت معترضانه گاه صدایش بسیار بالا می رفت با این همه پلیس و ماموران امنیتی جمعیت را مجبور کرد داخل پارک مجاور گورستان برود...

مانعت از یادبود شاملو در واقع بیانگر وحشت حکومت از هرگونه ای تجمع مردم در ایران است. حکومتی که خود را مورد نفرت همه مردم می بیند و میداند که جامعه مترصد فرصتی است تا از شر این حکومت خلاص شود، تلاش میکند با اینگونه تعرضات بقای خویش را تضمین نماید. اما آیا در تاریخ حتی یک حکومت که اینگونه با مردم سرچنگ دارد و مورد نفرت و انزجار است توانسته است سرپا بماند که جمهوری اسلامی دومین آن باشد؟ تجمع و تشکل و بیان حق بی چون و چرای همه افراد جامعه است و با سرنگونی حکومت اسلامی به قانون اساسی جامعه تبدیل خواهد شد.

### کاظم نیکخواه

#### حمله به مراسم یادبود شاملو

جمهوری اسلامی از هرگونه تجمعی وحشت دارد. روز دوم مرداد مراسم هجدهمین سال درگذشت شاملو شاعر مشهور ایران با یورش مامورین حکومت مواجه شد. عین رویداد را از زبان کانون نویسندگان ایران که فراخوان دهنده این تجمع بود بازگو میکنیم. کانون در قسمتی از بیانیه اش به این مناسبت چنین نوشته است: "سه شنبه دوم مرداد هجدهمین سالگرد درگذشت احمد شاملو شاعر، نویسنده، مترجم و محقق پر آوازه عضو کانون نویسندگان ایران بود. کانون نویسندگان □ □ تیر با انتشار بیانیه یاد شاملو را گرامی داشت و نوشت که دوم مرداد مزار او را گلباران می کند. امروز اما به روال دو سال اخیر ماموران امنیتی و انتظامی درهای گورستان را بسته بودند و کسی را به داخل راه نمی دادند. بر جمعیت دوستداران شاملو هر دم افزوده می شد. از ساعت پنج، زمان آغاز مراسم، نیم ساعتی گذشت و درها همچنان بسته بود. هیئت دبیران کانون تصمیم گرفت در خیابان همجوار گورستان برنامهی بزرگداشت را اجرا کند. بخشی از پوسترها میان جمعیت توزیع شد و بر سر دستها رفت. خواندن بیانیهی کانون اولین قسمت از برنامه بود. علی کااوند عضو هیئت دبیران کانون با صدای بلند آغاز به خواندن بیانیه کرد

دهند که "دشمن ما همینجاست الکی میگن امریکاست". این شکست ایدئولوژیک و سیاسی جمهوری اسلامی فقط به ایران محدود نیست. امروز در عراق مردم معترض سمبل ها و نشانه های جمهوری اسلامی را در اعتراضات خیابانی خود به آتش می کشند و نابود می کنند.

شیر مورد نظر روحانی، اگر شیر پاکتی نباشد، شیر بی یال و دم و اشکم است که دیگر تبدیل به موش شده است و اگر قرار است دنبال چیزی بگرده باید دنبال سوراخ بگرده چرا که انقلاب کارگران و مردم زحمتکش برایش جایی برای فرار باقی نخواهد گذاشت.

اما هارت و و پورت های جمهوری اسلامی یک جنبه دیگر هم داشت. بسیار "مردانه" بود. نرینه های اسلامی حتی وقتی هم که "دشمن خارجی" را تهدید می کنند زن را آدم به شمار نمی آورند و از "استقامت مردانه" سخن می گویند.

برای حفظ بیضه اسلام از هر کس می خواهید مایه بگذارید ولی از مردم ایران چه مرد و چه زنش مایه نگذارید چرا که ما تصمیم گرفته دوشادوش هم زیر بیضه اسلام بزنییم و معدومش کنیم.

### سن صالحی

#### "دم شیر" مردانه جمهوری اسلامی!

با بالاگرفتن جنگ لفظی میان دول جمهوری اسلامی و آمریکا، حیوانات زبان بسته را هم وارد این نزاع کرده اند. حسن روحانی رئیس دولت اسلامی خطاب به آمریکا گفته است که "با دم شیر بازی نکنید!"

ظاهراً بیان چنین سخنان تهدید آمیزی علیه آمریکا باید باعث ترس و یا غرور کسانی شود ولی برای مردم ایران اسباب طنز شد. مردمان زیادی در دنیای مجازی حول و حوش این عبارت روحانی جوک و قصه ساختند و خندیدند. پشت این مسخره کردن حرفهای روحانی حقیقتی نهفته است. هیچکس به ماندن جمهوری اسلامی باور ندارد و همه، بکارگیری چنین عبارتی را مصداق هارت و پورت می دانند.

ضد آمریکائی گری همواره یکی از ارکان مهم ایدئولوژیک جمهوری اسلامی را تشکیل می داده است. این در عین حال ابزاری بوده است تا با استفاده از آن و بهانه "تهدید دشمن خارجی" مبارزات مردم را سرکوب کنند. اما این حنا امروز دیگر رنگی ندارد. امروز مردم در کوچه و خیابان شعار می

## بازتاب هفته

□ سن صالحی

### طناب های دار

#### سوزانده می شوند!

اکنون مدتی است که جنبشی در ایران و خارج کشور برافزاده که نامش "چالش به آتش کشیدن طنابهای دار است". روز بیست و یکم ژوئیه در نقاط مختلفی از ایران و خارج کشور مردمان زیادی با

برگزاری گردهمایی های اعتراضی و یا در همایشی تک نفره طنابهای دار را در اعتراض به حکم زندانی سیاسی رامین حسین پناهی و مخالفت با مجازات اعدام به آتش کشیدند. این کمپین همچنان ادامه دارد و هر روز معترضین بیشتری با انتشار ویدئو کلیپ های آتش زدن طناب های دار مخالفت خود را با این مجازات ضد انسانی به نمایش می گذارند.

طناب دار و یا مجازات شنیع اعدام حربه حکام ستمگر برای حلق آویز کردن و کشتن آزادی و آزادیخواهی در جامعه بوده است. گرفتن جان فلسفه وجودی حکومتهایی است که دادن نعمت و رفاه و آزادی را از شهروندان دریغ و به جای آن مرگ را ارزانی می کنند. در جمهوری اسلامی اعدام به گونه ای است که اگر این حربه از دست رژیم گرفته شود، به عمرش نمی تواند ادامه دهد. جمهوری اسلامی رژیم اعدام است. این رژیم با

اعدام و آدمکشی زاده شده است و بدون اعدام به نفس نفس زدن خواهد افتاد.

با چالش آتش زدن طنابهای دار جنبش علیه اعدام دارد هر چه توده ای تر می شود. این بخشی از جنبش دادخواهی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی است که تنها با سرنگونی این رژیم می تواند به خواستهای تمام و کمالش برسد. اما اهمیت این جنبش و قوی شدن آن این است که دست جمهوری اسلامی را در

پاشیدن خون به اعتراضات جاری مردم کوتاه می کند. اگر این جنبش قوی و قوی تر شود حربه سرکوب جمهوری اسلامی دیگر کارایی خود را از دست خواهد داد. از همین رو بسیار مهم است که خواستهای لغو مجازات اعدام و آزادی فوری و بدون قید و شرط زندانیان سیاسی به دو خواست مهم اعتراض هر روزه مردم علیه جمهوری اسلامی تبدیل شود.

### تجمع سراسری بازنشستگان در

مقابل مجلس

### دشمن ما

### همینجاست!

امروز ۳۱ تیر بنا به قرار قبلی جمعیت کثیری از معلمان بازنشسته و پرستاران و بازنشستگان کشوری و تامین اجتماعی برای پیگیری خواستهای خود دست به تجمع اعتراضی در مقابل مجلس شورای اسلامی زدند و علیه مجلس و اختلاس مفتخوران حاکم و علیه فقر و بیحقوقی شعار دادند و اعلام کردند که دشمن ما همینجا است یعنی حکومت نحس اسلامی و نظام دزدسالار اسلامی. معلمان فریاد زدند این فیش حق ما نیست، مجلس بی کفایت تعطیل باید گردد، معلم زندانی آزاد باید گردد، سوریه را رها کن فکری به حال ما کن، حقوق های نجومی فلاکت عمومی، خط فقر ۵ میلیون حقوق ما □ میلیون و معیشت منزلت سلامت حق مسلم ماست.

در این حرکت اعتراضی بازنشستگان در ادامه چالش به آتش کشیدن فیش های حقوقی خود، با شعار این فیش حق ما نیست، فیش های خود را پاره کردند و اعلام کردند که این زندگی شایسته ما نیست. سرکوبگران تعدادی از تلفن های

شرکت کنندگان را گرفتند که به خیال خود مانع انعکاس تجمع شوند اما تنها چند دقیقه از شروع تظاهرات ویدئوهای این تظاهرات همه جا منعکس شد. بازنشستگان با شعار تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم به تجمع امروز خود پایان دادند. در تجمع امروز آموزش دهندگان نهضت سوادآموزی از نقاط مختلف کشور نیز در اعتراض به عدم تامین شغلی و وضعیت نامشخص استخدامی خود شرکت داشتند.

همزمان با تجمع بازنشستگان در تهران، در مشهد نیز بازنشستگان آموزش و پرورش و جمعی از مردم در اعتراض به عدم دریافت مطالباتشان با شعارهای ما کجا؟ داد کجا؟ مجلس بیداد کجا؟ ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه مقابل استانداری تجمع کردند.

تجمعات سراسری کارگران و معلمان و بازنشستگان در شرایط پرتحول امروز نقش مهمی در قدرتمند شدن اعتراضات آنها و گسترش و تعمیق روحیه مبارزاتی کل جامعه دارد.

پیش بسوی اعتصابات و تجمعات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ تیر ۱۳۹۷، ۲۲ ژوئیه ۲۰۱۸

### مردم برازجان علیه بی آبی دست به تجمع زدند

مردم برازجان در ادامه اعتراضات چند هفته گذشته خود، امروز یکشنبه تیرماه در اعتراض به بی آبی به خیابانها ریختند و با آتش زدن لاستیک جاده در ورودی شهر و بند آوردن ترافیک اعتراضشان را بیان کردند. در روزهای ۶ و تیرماه نیز مردم برازجان بدلیل چهار روز قطع آب با شعارهای مرگ بر دیکتاتور، یک اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه، سوریه را رها کن فکری به حال ما کن و دشمن ما همین جاست دروغ می گن آمریکاست، در خیابان های شهر دست به تظاهرات زدند.

بحران بی آبی در بخشهای زیادی از ایران، نتیجه مستقیم سیاستهای جمهوری اسلامی است. در ماههای گذشته مردم در تعداد قابل توجهی از شهرها علیه بی آبی و همینطور قطع برق، دست به تجمعات اعتراضی زده و خواهان حل معضلات خود شده اند. مردم بدرست حکومت را مسئول این زندگی جهنمی میدانند و در تجمعات خود علیه مقامات و ارگان های مختلف حکومت شعار میدهند.

حزب کمونیست کارگری ایران از اعتراضات بحق مردم برازجان و سایر شهرها حمایت میکند و از همه مردم میخواهد که با تجمعات خود حکومت را تحت فشار قرار دهند. تنها در سایه اعتراضات گسترده و سرتاسری است که میتوان جمهوری اسلامی را وادار کرد که برای تامین آب و برق شهروندان جامعه امکانات لازم اختصاص دهد. این اعتراضات مقدمه اعتراضات میلیونی مردم برای سرنگونی حکومت دزدسالار اسلامی است.

پیش به سوی اعتراضات و اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ تیر ۱۳۹۷، ۲۲ ژوئیه ۲۰۱۸

### انترناسیونال

### نشریه حزب کمونیست کارگری

سرمدیبر: خلیل کیوان

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

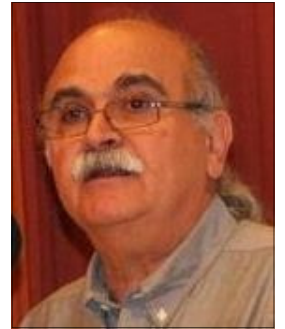
صفحه فیس بوکی حزب

<https://www.facebook.com/wpIran/>

حمید تقوایی

## حرف آخر را مردم میزنند

### نگاهی به جنگ لفظی میان فاشیسم آمریکائی و فاشیسم اسلامی



است که قرار است بخش اول اش ده روز دیگر، ۱۳ مرداد، برقرار بشود.

از نقطه نظر مقامات جمهوری اسلامی نیز "خطر" فوری و مهلکی که حکومت آنها را تهدید میکند تشدید تحریمهاست. جمهوری اسلامی میدانند که ادامه برجام منهای دولت آمریکا عملاً دردی از اقتصاد ورشکسته اش دوا نخواهد کرد. اقتصاد جمهوری اسلامی تماماً فروپاشیده است و تحریمهای تازه میتواند تیرخلاف را به اقتصاد در حال موت حکومت شلیک کند. در این میان رجز خوانی های روحانی در مورد بستن تنگه هرمز و "مادر جنگها" و یا تهدید رئیس ستاد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی که "مراکز استقرار آمریکا در دسترس قدرت دفاعی ایران است" حتی از خط و نشان کشیدنیهای جنگی ترامپ توخالی تر است. میدانند که نه توان بستن تنگه هرمز را دارند و نه حمله به پایگاههای نظامی آمریکا را. این نوع هشدارها و تهدیدات توخالی قرارست زمینه مذاکرات بعدی را فراهم کند.

در دوره قبل، هم زمان با مذاکره و توافق بر سر برجام، خامنه ای از رجزخوانی علیه شیطان بزرگ کوتاه نمی آمد و این بار روحانی هم همین

رجز خوانی های ترامپ را باید به حساب اعمال فشار برای واداشتن جمهوری اسلامی به تن دادن به توافق مورد نظر دولت آمریکا گذاشت. بر خلاف نظر مدافعین خجول و نیمه خجول جمهوری اسلامی نه صحبتی از رژیم چینچ در میان است و نه حمله نظامی و جنگ و اقداماتی از این قبیل. دولت آمریکا بعد از تجربه عراق و افغانستان نه میخواهد و نه میتواند به سیاستهای میلیتاریستی دوران بوش پدر و پسر بازگردد. آن دوره گذشت و محصولش را بیشتر دولت روسیه و جنبش اسلام سیاسی و نیروها و دولتهای اسلامی در منطقه درو کردند تا دولت آمریکا و متحدینش. رجز خوانی های جنگی ترامپ، نظیر اظهارات اولیه اش علیه دولت کره شمالی، در واقع تلاشی است برای تنظیم روابط و مناسبات تازه از یک موضع قدرت.

اهرم فشار دولت آمریکا تشدید تحریمهای اقتصادی است. دولت ترامپ برای قبولاندن شرایط تازه اش، که از پروژه هسته ای فزاتر میروید و توقف دخالتگریهای جمهوری اسلامی در عراق و سوریه و یمن و سیاستهای خصمانه اش در قبال عربستان و اسرائیل را نیز در بر میگیرد، در صدد اعمال تحریمهای تازه ای

اسلامی در مصاحبه با سایت انصاف میگوید: "طبیعی است که هر دعوایی آخرش باید از طریق مذاکره حل و فصل شود. به نظر می رسد همانطور که امروز دعوای کره شمالی و آمریکا به یک نقطه ای عطف رسید، در مورد ایران هم به نظر می رسد که دعوای ما با آمریکا به نقطه ای عطف خودش نزدیک خواهد شد."

این احتمالی است که مقامات حکومتی در پس رجزخوانیهای ضد آمریکائیشان به آن امید بسته اند. دو روز قبل نیز سایتهای رسانه ای حکومت از احتمال ملاقت پمپئو و ظریف که هر دو به دلایل مختلفی هم زمان در سنگاپور هستند خبر دادند. سایت خبری بورس در این مورد نوشته است: "گرچه احتمال انجام این ملاقات را باید ۵۰ - ۵۰ توصیف کرد اما نباید از نظر دور داشت که فشار برای انجام چنین ملاقاتی کم نیست."

این فشار واقعی است اما اصلی ترین عامل فشار نه ترامپ و تهدیدهای نظامی و حتی تشدید تحریمهای اقتصادی و نه کلا رابطه با آمریکا و غرب بلکه جامعه ای است که برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی پیا خاسته است. مشکل اصلی جمهوری اسلامی امروز دیگر بحران و بن بستهای اقتصادی و سیاسی نیست بلکه مساله بقا و حفظ خود در مقابل جنبش بنیان کنی است که از دیمه سال گذشته آغاز شده و در عرصه های مختلف در حال پیشروی است. حرف آخر را مردم خواهند زد.

بن بست و بحران اقتصادی - سیاسی -

اجتماعی حکومت نه با تحریمها شروع شده است و نه با برجام، و یا تجدید برجام با هر شرط و شروطنی، تخفیف پیدا خواهد کرد. امروز در فضای سیاسی ایران آنچه تعیین کننده است رابطه جامعه با حکومت است و نه رابطه دولت آمریکا و یا هر دولت دیگری با جمهوری اسلامی. تنش و جنگ لفظی حاضر میان دو دولت به هر نتیجه ای منجر بشود یک چیز مسلم است: کارگران و زنان و توده مردم ایران عزم جزم کرده اند جمهوری اسلامی را بزیر بکشند.

دولت فاشیستی ترامپ در صحنه سیاست داخلی و بین المللی با مشکلات عدیده ای روبروست و یک ارزش مصرف حملات لفظی او علیه جمهوری اسلامی میتواند انحراف اذهان عمومی و تخفیف بحران داخلی خود باشد. اما برای فاشیسم اسلامی حاکم در ایران کار از این حرفها گذشته است. مدتهاست دوره کوبیدن بر طبل شیطان بزرگ و عدم کردن خطر حمله نظامی آمریکا و غیره سپری شده است. شعار "دشمن ما همین جاست، دروغ میگن آمریکاست" بروشنی اعلام میکنند که حنای ضد آمریکائی گری حکومت دیگر رنگی ندارد.

بحران ترامپ ممکن است با استیضاح او خاتمه پیدا کند اما بحران جمهوری اسلامی تنها با سرنگونی او حل خواهد شد. جواب مردم آمریکا به دولت ترامپ هر چه باشد پاسخ مردم ایران همانست که در طوفان توتیتری حول جنگ لفظی اخیر اعلام کردند: جمهوری اسلامی باید برود!

## گفتگو با شهلا دانشفر دبیر کمیته سازمانده حزب از صفحه ۲

دستور حزب و مشخصا کمیته های حزبی قرار میگیرد تا بتواند جوابگوی این اوضاع باشد.

همچنین همانطور که شما نیز در سوال به آن اشاره کرده اید، واحد های حزب در همه جا، در محلات، در کارخانجات، در دانشگاهها و در عرصه های مختلف مبارزات اجتماعی باید حضور داشته باشند و شکل گیرند. این واحدها با حضور فعال خود باید بتوانند حلقه اتصال حزب به کل جامعه باشند و بتوانند شعارها و سیاست های حزب را به شعارها و جهت اعتراضات مردم در همه جا تبدیل کنند. طبعاً وجود ابزاری چون مدیای اجتماعی به شکل گیری واحدهای حزبی و دایره نفوذ و فعالیتشان سرعت می بخشد. بنابراین کفایت اعضای که هم اکنون هنوز شکل سازمانی و متشکل بخود نگرفته اند، فوراً واحدهایشان را تشکیل دهند. دوستانان حزب و کانال جدیدی ها که تا کنون به حزب وصل نشده اند، بخاطر شتاب اوضاع سریعاً تصمیم بگیرند و با حزب خود مرتبط شوند و واحدهای حزبی شان را بوجود آورند، خواهید دید نیروی اجتماعی بزرگی به حرکت در خواهد آمد. لازمه این کار به راه انداختن یک کارزار قدرتمند تحزب یابی در سطح جامعه و رفع تردیها و برخی ناباوری ها است. برای مثال قبلاً گفته میشد که جنبش های اجتماعی را سیاسی نکنید و این جنبش ها صرفاً صنفی و مطالباتی هستند. اما اکنون خیلی ها به این باور رسیده اند که نمیتوان جنبش های اجتماعی را از سیاست جدا کرد، چون طلب هر خواستی در جمهوری اسلامی، اساساً سیاسی است. حال همین دیدگاه تحت عنوان اینکه جنبش های اجتماعی باید از گرایشات سیاسی مستقل باشند، دارد سخن میگوید. معنای واقعی این گفته، برحز کردن جامعه از تحزب یابی و اینبار از این

های حزبی را هم بدهیم. این بخشی از حزب و جامعه ای کار کردن این حزب است.

**خلیل کیوان:** در اطلاعیه گفته شده است که؛ واحدهای حزب در هر کارخانه و اداره ای، در هر دبیرستان و دانشگاهی و در هر محله ای باید ایجاد شوند، و یا تصریح شده است که؛ واحدهای سه تا پنج نفره تشکیل دهید، اطلاعیه همچنین اشاره کرده است که؛ واحد های حزب در مراکز و محلات مختلف و در میان کارگران، معلمان، بازنشستگان، جوانان، نویسندگان و هنرمندان و غیره تشکیل شود. در این مورد هم، سئوالات بسیاریند. آیا حزب از چنان نفوذ و موقعیتی در جامعه برخوردار است که در همه این حوزه ها بتواند واحدهای حزبی ایجاد کند؟ و سئوال دیگر این است که چرا این واحدها سه تا پنج نفره باید باشند؟ چرا تعداد اعضا متشکل در این واحدها حداکثر محدود به پنج نفر است؟ فعالیت فردی اعضا حزب و یا شبکه هایی از اعضا که طی این سالها تشکیل شده است به چه صورت خواهد شد؟

**شهلا دانشفر:** همانطور که در سئوالات قبل اشاره کردم حزب در اکثر شهرها و عرصه های مختلف مبارزاتی اعضا و فعالین خود را دارد. تلاش ما تحکیم سازمانی آنها و گسترش دامنه فعالیتشان است. خصوصاً همانطور که اشاره کردم موقعیتی که چپ در راس جنبش های اعتراضی جامعه دارد، زمینه را بیشتر و اجتماعی تر برای جذب نیرو به حزب فراهم میکند. در همین مدت روی آوری به حزب بیشتر شده است. بنابراین حزب باید آماده جذب این نیرو و تبدیل حزب به یک حزب قدرتمند که پاسخگوی این اوضاع است، باشد. به این اعتبار فرصتی طلایی برای ماست و پاسخ من به سوال شما مثبت است و طبعاً کارهای بسیاری در

طریق خفه کردن مبارزات مردم در چهارچوب نظام موجود است. طبعاً مساله امنیت نیز چاشنی استدلالات آنهاست. این تلاش ها عملاً در جهت رسمیت دادن به محرومیت جامعه از متشکل شدن در حزب خود و در جهت امنیتی کردن مبارزات مردم بخاطر تشکیلاتی و تحزب یابی آنهاست. بنابراین یک گام مهم در پیشبرد کارزار برای عضوگیری وسیع در حزب کمونیست کارگری رد و افشای این نوع استدلالات پوچ و بی پایه به عنوان موافقی بر سر راه پیشروی مبارزات ما مردم علیه حکومت اسلامی است.

اما در قسمت دیگر سوال از تعداد اعضای متشکل در یک واحد حزب که ۳ تا ۵ نفر قید شده است پرسیده اید. روشن است که جمع نمیتواند از سه نفر کمتر باشد، چون جمع نیست. اما سقف ۵ نفر برای تسهیل جمع شدن اعضای حزب و جاری کردن روتین های حزبی و فعالیت اعضا در آن جمع است. ما همچنین اعضای منفرد را از طریق گروههای تلگرامی سازمان میدهم تا آنها نیز خود را در یک فعل و انفعال حزبی ببینند و هر گاه توانستند واحد حزبی شان را شکل دهند، خود به کادرهای توانایی برای هدایت و سازماندهی تبدیل شده باشند.

**خلیل کیوان:** وظایف سیاسی و عملی این واحدها چیست و قرار است به چه اموری بپردازند؟

**شهلا دانشفر:** ما برای واحدهای حزب دو دسته وظایف را در نظر داریم. یکی وظایف روتین و عمومی اعضای حزب نظیر عضوگیری (مستقیماً از طریق آشنایی حضوری و یا از طریق مدیای اجتماعی)، تبدیل اعضای جدید به یک واحد حزبی، بحث و تبادل نظر حول مصوبات و سیاستهای حزبی و برنامه های کانال جدید و نشریات حزب و ادبیات و تبلیغات حزبی در مدیای اجتماعی، تعیین وظایف عملی واحد و

تقسیم کار بر مبنای پلاتفرمها و رهنمودهای حزبی، تبلیغ اهداف، سیاستها و شعارهای حزب در محل کار و زیست و در پیرامون خود و در تجمعات عمومی و مدیای اجتماعی، سازماندهی جمعهای آموزشی و مطالعه منظم ادبیات حزبی، شعاری، توزیع مقالات، مصاحبه ها و کلیپ های حزب در گروههای مدیای اجتماعی و یا در میان دوستان مورد اعتماد و جمع آوری حق عضویتها و جمع آوری کمک مالی است. توصیه ما به واحدهای حزبی گذاشتن یک صندوق برای پرداخت ماهانه حق عضویت اعضا جمع به آن صندوق در حد توان مالی هر عضو و صرف آن برای فعالیت های حزبی جمع است.

بخش دوم وظایف غیر روتین واحد های حزبی است. از جمله بحث و هماهنگی و تصمیم گیری در مورد فعالیت های اجتماعی، مبارزاتی در محل فعالیت، شرکت و دخالت فعال در اعتراضات و مبارزات جاری و بردن افق و سیاست حزب به درون این جنبش ها و تلاش برای جا انداختن سیاستها، شعارها و مطالبات و افق حزب در میان فعالین جنبشهای اعتراضی از طریق حضور فعال در محیط فعالیت و در مدیای اجتماعی، تلاش برای برقراری ارتباط فشرده با فعالین جنبش های اعتراضی بویژه فعالین چپ و رادیکال، تحکیم رابطه با آنها و تاثیر گذاشتن روی آنان و جذب آنها به حزب و کمونیست کردن و حزبی کردن آنان از طریق فعالیت فشرده در گروه های مبارزاتی مدیای اجتماعی، حضور فعال در جنبش های اعتراضی جاری و در محلات کار و ... رؤس مهم آنست.

در همین راستا ما در دو سه ماه اخیر که اعتراضات مردم علیه سرنگونی جمهوری اسلامی شتاب بیشتری پیدا کرده است طی دستورالعملی بر حضور فعال و جمعی واحدهای حزبی همراه با

روابط پیرامونی خود در تظاهراتها، بر بردن شعارهای حزب به این اعتراضات، و آماده باش در مقابل شعارهای انحرافی و پیش کشیدن شعارهای اعتراضی علیه کل حاکمیت جمهوری اسلامی و علیه فقر، گرانی، تبعیض نابرابری و برای داشتن یک زندگی انسانی تاکید کردیم. ما در این دستورالعمل بر ارتباط فعال واحدهای حزبی با کمیته سازمانده و کانال جدید و تهیه گزارشات زنده و ارسال آن به حزب تاکید کردیم. بویژه با تمرکز بر اینکه یک فاکتور سیاسی مهم در این شرایط به چشم آمدن حضور حزب با شعارهایش است. اینها همه رؤس وظایفی است که ما برای اعضا و واحدهای حزب در داخل تعریف کرده ایم و با توجه به توان و امکانشان میتوانند به پیش برند.

اما اجازه بدهید یک نکته هم در مورد کادرهای حزب بگویم. طبعاً بیشترین توقع ما از کادرهای حزب است. کادر حزب از نظر اجتماعی- مبارزاتی کسی است که خود را فعال جنبش کمونیستی میداند و برای جاری کردن سیاستهای کمونیستی در جنبشهای اعتراضی شرکت میکند. کادر حزب قبل از هر چیز تعهد بالایی نسبت به حزب و حزبیت دارد و تمامیت حزب و ابعاد همه جانبه فعالیت حزب مشغله هر روزه آن است. بنابراین کادر حزب وظیفه سازماندهی سایر اعضا و ارتقای آنها، مسئولیت سازماندهی و هدایت فعالیت حزب در حیطه معینی که فعالیت دارد، پیشبرد وظایف روتین حزبی که جلوتر برشمردم، آموزش و دخالت فعال در تقسیم وظایف در واحد حزبی، دامن زدن به گفتمان تحزب و حزبیت در جنبش کارگری و جنبش های اعتراضی دیگر و جذب فعالین این جنبشها به حزب و به عهده گرفتن مسئولیت در تقسیم کار جمعی واحد را بر عهده دارد. بدین ترتیب به کمک کادرهای حزب است که ما میتوانیم ساختار



## گفتگو با شهلا دانشفر دبیر کمیته سازمانده حزب از صفحه ۷

محکمی و قابل دوامی به واحد های حزبی و اساسا تشکیلات حزب در داخل بدسیم.

**خلیل کیوان:** با توجه به اینکه حزب کمونیست کارگری طی سالهای طولانی فعالیت به سنت های تشکیلاتی متفاوت شکل داده است، و با توجه به اینکه اصول و پرنسیپ های ناظر بر فعالیت واحدها و فعالین آن شکل گرفته و سیقل خورده است، چه تضمینی هست که با تشکیل واحدهای حزب در یک گستره وسیع و بدور از مکانیسم های نظارت حزبی این اصول و پرنسیپها و سنن فعالیت رعایت شوند و واحدها و تشکیلات هایی با موازین مورد نظر حزب کمونیست کارگری ایجاد شود؟

**شهلا دانشفر:** ببینید بحث واحدهای حزبی به لحاظ پایه ای بحث متفاوتی از مباحث قبلی ما یعنی سازماندهی حزب بر متن دخالتگری و شرکت فعال در پراتیک اجتماعی و حرکت های اعتراضی موجود و بحث های منصور حکمت و حزب و جامعه ای کار کردن نیست. همانطور که در رئوس وظایف این واحد ها در سوالات قبلی اشاره کردم، روشن است که این واحدها در دل مبارزات و اعتراضات اجتماعی و با دخالتگری فعال در این مبارزات شکل میگیرند. نکته اینجاست که بر بستر چنین شکلی از فعالیت، فوکوس و تاکید ما بر عضو گیری وسیع و سازماندهی حزبی است.

بویژه بعضا با این مشاهده روبرو شده ایم که بخاطر تاکیداتمان بر سازماندهی حزبی در فعالیت اجتماعی، بعضا بیشتر فوکوس اعضا و کادرهای حزب بر روی مسایل مربوط به خود این جنبش ها بوده و علیرغم نیروهای چپ و رادیکالی که در پیرامون خود گرد آورده اند، با فرض اینکه این افراد

نیروی حزب هستند، پروسه تبدیل آنها به اعضای سازمانیافته حزبی کند صورت گرفته است. یا بعضا نیروهای بسیاری که پیرامون حزب جمع شده اند، طولانی مدت بصورت خطی و مستقیم با حزب در ارتباط بوده، اما شکل واحد حزبی به خود نگرفته اند. و بالاخره اینکه با وجود بردن گفتمان های چپ و رادیکال به درون جامعه و نیروی بزرگی که به یمن این شکل از فعالیت گرد حزب جمع شده و حزبی هستند، به اندازه کافی به قرار دادن خود حزب در جلوی چشم جامعه توجه نکرده ایم. فراخوان ایجاد واحدهای حزبی میتوانند تحولی کیفی در فعالیت اعضای حزب ایجاد کنند. فراخوان ایجاد واحدهای حزبی به عنوان سازمان پایه ای حزب، تعریف روشنی از شکل سازمان پایه ای حزب در شرایط ویژه امروز میدهد. و در واقع اجرای این سیاست یک گام مهم برای پاسخ دادن به کمبود های کار خصوصا در اوضاع خطیر امروز است. و اجرایی کردن آن در جهت تحکیم پایه های حزب در سطح سراسری و قوی تر کردن موقعیت آن به عنوان نیروی رهبر انقلاب قرار دارد.

البته بد نیست این را هم اشاره کنم که وقتی شما پراتیکی را به پیش میبرید همیشه اینطرف و آنطرف زدن ها وجود دارد. نکته مهم اینست که قطب نمای خود را حفظ کنیم و با کمک آن بتوانیم حزب را همواره در ریل درست خودش حرکت دهیم. در هر حال یک تضمین مهم برای پیشبرد فراخوان ایجاد واحدهای حزبی در ایران حفظ فوکوس حزب بر روی این موضوع به کمک کادرها و اعضای حزب در ایران است و این اولویت فوری ما در این دوره است.

**خلیل کیوان:** در سازماندهی کلاسیک حزبی

کمیته های محل، شهر و یا استان و همچنین کمیته های کارخانه را داشته ایم. آیا این واحدها در ادامه کار خود و در تغییر توازن قوای بین مردم و رژیم بهم وصل خواهند شد و سازمان های حزب که کمیته های منتخب هم در راس آنها خواهد بود را تشکیل خواهند داد؟

**شهلا دانشفر:** روشن است که کمیته های حزبی در محلات، شهرها و در کارخانه ها باید شکل گیرند. اما برای خیز برداشتن به آن سو باید مولفه های عصر مدرن امروزی و نقش تحول ساز مدیای اجتماعی را در این سازماندهی مد نظر داشت. به این اعتبار سازمانیابی حزبی در عصر امروز عینا با سبک و سیاق کلاسیک خود تطابق نخواهد داشت. بلکه در بستر فعالیت حزب و جامعه ای کار کردن و سازماندهی در دل پراتیک اجتماعی، با وجود کادرهای توانایی که بازیگران چنین اشکالی از فعالیت هستند و با وجود مدیای اجتماعی، در یک توازن قوای بهتر طبعا با کیفیت نوینی از سازمانیابی حزبی و کمیته های رهبری حزب در سطح سراسری روبرو خواهیم بود. ایجاد و تحکیم واحدهای حزبی قدمی مهم در این جهت است. طبعا ما امروز در دوره گذار هستیم.

به درجه ای که واحد های حزبی دامنه شان گسترش یافته و اعضای جدیدی به خود جذب میکنند، خود به شبکه ای از واحدهای حزبی مرتبط با هم تبدیل میشوند و این شبکه ها بستر تشکیل کمیته های حزبی در نواحی مختلف تهران و شهرهای مختلف و در راس جنبش های اعتراضی جاری تبدیل خواهند شد که با کمی تغییر توازن قوا خواهند توانست، علنا ابراز وجود کنند. تصویر من اینست که در آن شرایط فورا دفاتر حزب در تمام محلات و شهرها باز خواهند شد که عضوگیری وسیع توده ای را در دستور خواهند گذاشت. در آن شرایط کمیته حزبی در

راس این دفاتر نقش مهمی در متحد کردن کل جامعه حول خواستهایی که در برنامه یک دنیای بهتر هست و رهبری شوراهای مردم، این ارگانهای اعمال اراده مستقیم مردم را خواهند داشت.

**خلیل کیوان:** آیا حزب با استخوانبندی کادری کنونی قادر است در شرایطی که توازن قوا اجازه دهد به یک حزب توده ای بزرگ با ده ها هزار و یا صدها هزار عضو بدل شود؟

**شهلا دانشفر:** به نظر من اگر ما و کادرها و اعضای حزب در داخل با همین فوکوسی که بر آن تاکید کردم، کار کنیم حزب بطور جهشی دامنه اش گسترش خواهد یافت. اینکه دامنه رشدش به جایی برسد که صدها هزار عضو را در خود جای داد، بستگی به جلو رفتن بیشتر توازن قوا دارد. من شک ندارم که اگر اوضاع کمی تکان بخورد و دفاتر علنی حزب در هر محله و در تمام شهرها باز شده و عضوگیری کند، ما یک حزب توده ای پرنفوذی خواهیم بود. و این روز دور نیست. ما باید آماده چنین شرایطی باشیم. اعضا و کادرهای حزب در ایران باید خود را برای پاسخگویی به چنین شرایطی آماده کنند. همچنین حزب باید از هم اکنون بدنه کادری خود را قوی تر کند و اعضای هر چه بیشتری را تا سطح کادرهای کمونیست قوی و سازمانده ارتقاء دهد. به یک معنا ما امروز در شرایط گذار قرار داریم. کار فوری ما استحکام دادن به ساختار کنونی تشکیلات حزب در داخل و بالا بردن قدرت دخالتگری آن در سیر متحول اوضاع کنونی، عضوگیری وسیع حزبی و تلاش برای جذب هر چه بیشتر نیروهای چپ و کمونیست، خصوصا اکتیویست های چپ در راس جنبش های اعتراضی جاری به حزب و در یک کلام گسترش دامنه نفوذ اجتماعی

حزب است. با وجود کادرها و اعضای توانای حزب در ایران من امیدواری بسیاری دارم که بتوانیم پاسخگوی همه اینها باشیم. بویژه باز هم تاکید میکنم که رشد گفتمانهای چپ در جامعه و در جنبش های اعتراضی مردم و توازن قوای موجود و روند انقلابی اوضاع که خود ما نقش خوبی در آن داشته ایم، بیش از پیش زمینه را برای جذب اعضای هر چه بیشتری به حزب و گسترش دامنه نفوذ حزب فراهم کرده است، باید بشتابیم.

**خلیل کیوان:** در شرایط امروز مدیای اجتماعی هم به مکانیسم های سازماندهی اضافه شده است. نقش مدیای اجتماعی برای تشکیل واحدهای حزبی چیست؟

**شهلا دانشفر:** مدیای اجتماعی امروز یک ابزار شگرف برای سازماندهی در عرصه های مختلف مبارزه و بطور مشخصی سازماندهی حزبی است. هر واحد حزبی ما با گردآمدن در مدیای اجتماعی میتواند مثل یک دفتر کاری باز و جاری هر روزه کار کند و دایر باشد. همچنین میتواند از این طریق با حزب نیز در تماسی هر روزه باشد، در مباحث حزب تاثیر گذار باشد و هم جهت با تصمیمات حزب حرکت کند. و بالاخره اینکه اعضای این واحدها از این طریق میتوانند در طول روز در مورد اتفاقات مهمی که روی میدهد با هم در گفتگو و همنظری باشند و به محض اینکه اعتراضی شکل میگیرد، خود را برای دخالت حداکثری در آن و بردن شعارها و گفتمانهای حزب به درون این اعتراضات آماده کنند. میتوانند در میان خود تقسیم کار کنند و شرکتی سازمانیافته در اعتراضاتی که در سطح جامعه صورت میگیرد داشته باشند و با شرکت جمعی خود در اعتراضات بیشترین نقش را ایفاء کنند. به یک معنا واحدهای حزبی از طریق مدیای اجتماعی میتوانند تا



## گفتگو با شهلا دانشفر ...

از صفحه ۸

سطح ستادهای دایر ما حزبی ها برای دخالتگری و جهت دادن به روند اعتراضات جاری در جامعه ارتقاء یابد. ضمن اینکه از طریق مدیای اجتماعی اعضای منفرد حزب هم جمع بوده و بطور واقعی در برابر این شرایط سیاسی متحول و پرشتاب در آماده باش هستند. بنابراین باید در همین سطح از ظرفیت مدیای اجتماعی برای سازمانیابی حزبی و گسترش دامنه تاثیر گذاری آن استفاده کنیم. و این جهتی است که ما تلاش میکنیم به دستور کار واحدهای حزب در داخل تبدیل کنیم.

**خلیل کیوان:** رابطه این واحدها با کمیته سازمانده به چه صورت خواهد بود؟ چه کمک و رهنمودی کمیته سازمانده برای تشکیل واحدها می تواند به دستداران و فعالین حزب داشته باشد؟

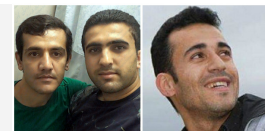
**شهلا دانشفر:** واحدهای حزبی مستقیم به حزب وصل هستند. خصوصا همانطور که در سوال قبلی اشاره کردم، مدیای اجتماعی این رابطه را به شکل هر روزه ای ممکن میکند. از این طریق کمیته سازمانده دستوالعمل های دوره ای خود را در زمینه های مختلف با واحدهای حزبی در میان میگذارد. با همفکری و همفکری با خود آنها راه های عملی پیشبرد این دستوالعمل ها را پیدا کرده و برای رفع موانعش تلاش میکند. برای جا انداختن روتین های حزبی در واحدهای حزبی و پیشبرد امر آموزش در آنها کمک میکند. بدین ترتیب واحد های حزبی با همکاری تنگاتنگ کادرهای حزب در داخل و کمیته سازمانده فعالیت میکنند و قوام می یابد. فراخوان ما برای تشکیل واحدهای حزبی در کارخانه، در محلات، در دانشگاهها و در تمام عرصه

های مبارزاتی، اولین رهنمود ماست. خطاب ما نیز در این فراخوان به همه دستداران حزب است که وسیعا به حزب بپیوندند و واحدهای حزبی خود را شکل دهند و برای پیشبرد سازمانیافته مبارزاتشان با حزب دست به کار شوند.

فعالیت حزبی جمعی است و ارتقاء از فرد به جمع، یک تغییر کیفی در فعالیت است و به واقع پیش شرط انجام بسیاری از فعالیت هاست. بنابراین اولین تاکید ما به اعضای منفرد جدیدی که به حزب جذب میشوند به عنوان اولین وظیفه ای که بر عهده دارند، تلاش برای جذب افراد تازه در روابط پیرامونی خود و تبدیل شدن به یک جمع حزبی است. از نظرها هیچ عضو حزبی تنها نیست، حتما روابطی پیرامون خود دارد که با آنها بر سر بسیاری از مسایل از جمله مبارزه علیه فقر، تبعیض، نابرابری و بساط بربریت سرمایه داری حاکم هم نظری

دارد، بویژه در شرایط پرتیش سیاسی امروز و فضای اعتراضی جامعه این نیرو بیشتر خواهد بود. اولین تاکید و رهنمود ما نزدیکتر کردن این نیروها به خود، کمونیست کردن آنها و جذبشان به حزب است. وگرنه اگر عضو حزب رابطه اش بصورت خطی با کمیته سازمانده ادامه یابد و به جمع تبدیل نشود، حتی اگر سالها نیز بردوام باشد، کیفیت جدیدی در فعالیت آن فرد ایجاد نخواهد کرد و روابط پیرامونی او نیز میتواند به لحاظ سیاسی به هر سو کشیده شوند. در نتیجه رشد حزب نیز در آن حیطه منقبض می ماند. بنابراین نکته مهم اینست که عضو منفردی که به حزب جذب میشود، به عنوان اولین وظیفه آگاهانه بر روی نیروهای پیرامونی خود کار کند و آنها را به حزب نزدیک و عضو حزب کند. افراد پیرامون خود را به جمع تبدیل کرده و واحد حزبی خود را درست کند و با کمک مدیای اجتماعی

تماس واحد حزبی خود را روزانه برقرار نگاه دارد. سپس در این واحد ها بر سر مباحثی چون برنامه یک دنیای بهتر، منشور انقلاب، ده امر فوری انقلاب و اینکه ما کمونیستها چه میگوییم، بطور روتین هفتگی بحث داشته باشد و بدین شکل واحدهای حزبی ای را که شکل داده اند از نظر سیاسی ارتقاء داده و در میان اعضای آن بیشترین همدلی سیاسی را ایجاد کنند. این چنین است که این اعضاء با واحدهای حزبی شان میتوانند نقش بیشتری در اعتراضات جاری در سطح جامعه و در عرصه فعالیت خود داشته باشند. بنابراین می بینید که تشکیل واحدهای حزبی کار سختی نیست و اعضای حزب در تماس با کمیته سازمانده میتوانند خیلی سریع به فعالیت جمعی خود بصورت واحد حزبی سرو سامان دهند.



## هشدار جدی در باره خطر اعدام رامین حسین پناهی و زانیار و لقمان مرادی

جمهوری اسلامی می خواهد عملیات مسلحانه پژاک (حزب حیات آزاد کردستان) علیه نیروهای نظامی جمهوری اسلامی در مریوان و کشته و زخمی شدن شماری از نیروهایش را بهانه ای کند تا زندانیان سیاسی رامین حسین پناهی و زانیار و لقمان مرادی را اعدام کند. در کانال تلگرامی "خبرگزاری سپاه پاسداران" از قول "مردم" از مقامات حکومت خواسته شده است تا "حکم اعدام تروریست ها زانیار مرادی، لقمان مرادی و رامین حسین پناهی اجرا شود".

این اولین بار نیست که جمهوری اسلامی به بهانه انجام عملیات نظامی نیروهای اپوزیسیون قصد دارد که به اعدام زندانیان سیاسی بپردازد. اما همه می دانند که نه رامین و نه زانیار و نه لقمان هیچگونه رابطه ای با این اقدامات نظامی نداشته اند. جمهوری اسلامی می خواهد بیگناهی را اعدام کند تا در یک اقدام "تلافی جویانه" قدرتش را به رخ مردم کردستان بکشد.

زانیار و لقمان مرادی نزدیک به ده سال است که در زندان بسر می برند و مورد شکنجه های جسمی و روحی شدید قرار داشته اند تا بنا به گفته بازجویان و مسئولین وزارت اطلاعات پدر و عموی این این دوزندانی یعنی اقبال مرادی را وادار به تسلیم کنند و جلوی فعالیت او علیه جمهوری اسلامی را بگیرند. اقبال مرادی توسط ۶ تیر در کردستان عراق ترور شد و

جمهوری اسلامی علی القاعده دیگر نباید عذر و بهانه ای برای تداوم حبس زانیار و لقمان داشته باشد و باید آنها را آزاد کند. حدود ده سال است این دو زندانی به اتهامات دروغین در زندان و گروگان جمهوری اسلامی هستند تا در "فرستی" که رژیم مناسب می داند آنها را اعدام کند.

رامین حسین پناهی فعال سیاسی در تاریخ ۲ تیر ۱۳۹۶ بازداشت و پس از ۳ روز انفرادی و شکنجه های جسمی و روانی، به زندان مرکزی سنندج منتقل شد. این زندانی سیاسی، ۲۵ دی ۹۶ در شعبه یک دادگاه انقلاب شهر سنندج به اعدام محکوم شد. این حکم، مجددا، ۲۲ فروردین ۱۳۹۶ در شعبه ۳۹ دیوانعالی کشور در شهر قم به تایید رسید. حکم اعدام رامین حسین پناهی در حالی صادر و ابلاغ شد که وی تمامی اتهامهای انتسابی به خود را رد کرده و وکیل این

زندانی سیاسی نیز این حکم را غیرمنتظره و ناعادلانه تلقی کرده بود. اکنون نام رامین حسین پناهی نامی آشنا در سراسر دنیاست و اعتراضات گسترده جهانی و داخلی برای متوقف کردن حکم اعدام او در جریان بوده است.

کمیته بین المللی علیه اعدام طرح ها و برنامه های شوم جمهوری اسلامی برای اعدام این سه زندانی سیاسی را شدیداً محکوم می کند و همگان را فرا می خواند که برای به شکست کشاندن این طرحهای جنایتکارانه به اعتراض هر چه بیشتر دست بزنند. جمهوری اسلامی باید بداند که با کشتن این سه جوان نمی تواند جلوی اراده و عزم مردم برای سرنوشتی این حکومت و دستیابی به آزادی و رفاه و جامعه ای بدون اعدام را بگیرد. مردم رای و تصمیم خود را در صدها اعتراض خیابانی اعلام کرده اند. خشم و خروش عمومی علیه رژیم اعدام جمهوری

اسلامی و جنبش قوی علیه اعدام در جامعه به جمهوری اسلامی اجازه نخواهد داد که این رژیم بیشتر از این خون جوانان را بریزد. جمهوری اسلامی حتی اگر موفق به اعدام این سه زندانی سیاسی گردد باید بداند که با انجام چنین جنایتی بطور قطع طوفان درو خواهد کرد و اعتراضات و اعتصابات بیشتری در انتظار او خواهد بود.

کمیته بین المللی علیه اعدام خواهان آزادی فوری کلیه زندانیان سیاسی و از جمله رامین حسین پناهی، زانیار مرادی و لقمان مرادی است و عموم مردم را به اعتراض هر چه وسیعتر برای نجات جان آنها فرامی خواند.

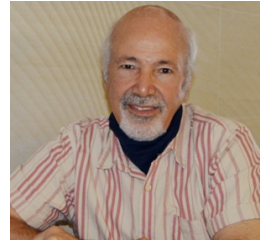
### کمیته بین المللی علیه اعدام

۱ مرداد ۱۳۹۷-  
۲۳ جولای ۲۰۱۸

کاظم نیکخواه

## چپ اسلامی

عبارت "چپ اسلامی" شاید واژه دقیقی بنظر نرسد. چون چپ واقعی اساساً ضد خرافه و دین و ارتجاع مذهبی است. و اسلام و جنبش اسلامی به راست تعلق دارد. اما کم نیستند افراد و جریاناتی که خود را چپ و کمونیست و مارکسیست میدانند اما عمیقاً آلوده به سنتها و مقدسات و گرایشات اسلامی و مذهبی هستند. همین الان نگاه کنید! در ایران یک جنبش گسترده ضد اسلامی و ضد مذهبی در جریان است که کاملاً سیاسی و ضد حکومت است. مردم به تجربه دریافته اند که مذهب و اسلام یک صنعت پول در آوردن و دزدی است. آخوند مظهر مفت خوری است. مسجد و خرافات و سنتهای اسلامی از نظر اکثریت مردم ابزاری در دست یک مشت موجودات حریص و بی رحم و چپاولگر است. به همین دلیل یک جنبش ضد مذهبی و ضد اسلامی در جامعه جریان یافته است که به اشکال و روشهای بسیار متنوع و ابتکاری ای خود را بروز میدهد. از حجاب برگیران دختران خیابان انقلاب تا "حسین پارتی" جوانان در روزهای محرم گرفته تا رقص زنان، روزه خواری علنی و رقص و موزیک "هپی"، موزیک زیر زمینی، به



تمسخر گرفتن آخوند و نماز و امثال اینها. همه این حرکتها اعتراض دختران و پسران و مردم به حاکمیت ارتجاع کشیف اسلامی در ایران است و کاملاً حرکتی سیاسی است و مورد حمایت حزب کمونیست کارگری است.

اما این مبارزات به مذاق برخی افراد خوش نمی آید. برخی از جریانات و افرادی که حتی خود را چپ و کمونیست میدانند دفاع حزب کمونیست کارگری از "دختران خیابان انقلاب" و امثال اینها را مورد نقد و حتی تمسخر قرار میدهند. دفاع ما از مانده هژبری دختر جوانی که بخاطر انتشار رقصش مورد محاکمه و تعرض حکومت قرار گرفت، دفاع از رقص دختران و اعتراض عریان و آواز زنان و حجاب برگیران و امثال اینها برای بعضی ها ربطی به کمونیسم و مبارزه ندارد.

چپ های حاشیه ای از اینکه در جامعه امروز ایران این نوع حرکتها بعنوان مبارزه تلقی میشود خشمگین هستند و یا عصبانیت میگویند آخر مگر با این نوع حرکتها میشود با جنبش اسلام

سیاسی مبارزه کرد.

بیاد می آورم که چند سال پیش وقتی که ما در برابر کنفرانس برلین یک کارزار افشاگری و اعتراضی به جریان انداختیم که به از هم پاشیدن این کنفرانس که یک پروژه مهم دو خردادها بود انجامید، چپهای سنتی شروع به حملات تند و لجن پراکنی علیه حزب کردند و بیشترین مثالشان به تمسخر گرفتن نیمه عریان شدن یکی از زنان در جریان این اعتراض بود. این زن اتفاقاً عضو حزب ما نبود اما ابتکار جالبش در جریان این اعتراض حکومت اسلامی و کل اسلامی ها را بشدت برافروخته نمود. هنوز هم که حدود بیست سال از این جریان گذشته چپهای سنتی وقتی از کنفرانس برلین سخن میگویند کل کارزار و سخنرانی ها و راهپیمایی و افشاگریهای فعالین حزب کمونیست کارگری علیه حکومت اسلامی را قلم میگیرند و به این حرکت بعنوان یک "نقطه ضعف" حزب آویزان میشوند!

درک پیچیده ای نمیخواهد که انسان بفهمد که زدن زیر حجاب و سنتهای اسلامی مبارزه ای مهم و انسانی است و از جانب کمونیستها باید مورد حمایت قرار گیرد. انسان میماند که چطور در جامعه ای که حجاب اجباری است، رقص زنان گناه کبیره است، حتی حضور زنان در محلهای

ورزشی ممنوع است و کلا اسلام بعنوان حکومت سرمایه دارد جنایت و چپاول میکند، زدن زیر این قوانین کثیف ضد انسانی و شکستن مقدسات ارتجاع حاکم چرا مبارزه نیست؟ چه چیز سر راست تر از نفی مقدسات و سنتهای اسلامی مبارزه با ارتجاع اسلامی حاکم تلقی میشود؟

دلایلش میدانید چیست؟ زیرا این جماعت بدون اینکه خود بدانند اسلام زده هستند. محرّمات و حلال و حرام اسلامی برای اینها نیز معتبر است. برای اینها عفاف زن در پوشش اوست. عریان شدن زنان حرام است. "متانت" زن واجب است. علیرغم ظاهر چپ و امروزی شان اخلاقیات اسلامی در رگ و ریشه تفکرشان باقی مانده است و اینجا و آنجا بیرون میزنند. برآستی بحثهای سیاسی برخی از این چپهای اسلامی مثل روضه خوانی میماند. از قتل مریم فرجی و ترانه موسوی و مبارزات کارگران هیکو و امثال اینها استفاده میکنند و میگویند آیا رقص در اینستاگرام پاسخی به مادر مریم فرجی و ترانه موسی هست! یعنی انتظار دارند که کمونیستها مثل اسلامی ها عزاداری کنند و بخاطر جنایات جمهوری اسلامی چهل روز عزای عمومی اعلام کنند! فتوا میدهند که دفاع از رقص دختران و بی حجابی زنان و اعتراض عریان ربطی به کمونیسم و سوسیالیسم و طبقه کارگر ندارد.

در مورد چپ اسلامی بسیار بیشتر میشود گفت و باید گفت. تلاش اینها برای قهرمان شدن و قهرمان بازی و تحقیر مبارزات ساده و عادی ای که به وفور در جامعه جریان می یابد نیز کاملاً از سنت اسلامی می آید.

کمونیسم جنبشی برای جارو کردن تحجر و سرمایه داری و برای دفاع از ارزشهای انسانی است. کمونیسم یعنی برابری طلبی، رفاه برای همه، حقوق و شان انسانی برای همه افراد و کلا تلاش برای یک جامعه انسانی و شاد و برابر. بر این اساس هر حرکتی که ضد ارتجاع و تعصب و تحجر و تبعیض است، کاملاً باید مورد دفاع کمونیستها باشد. بویژه در جامعه ای که اسلام ابزار حاکمیت سرمایه است این حکم صد بار بیشتر معنا پیدا میکند. اعتراضات ضد مذهبی و ضد ارتجاعی مستقیماً از اینها به چه شکلی بروز کنند جزئی از مبارزه کمونیستهاست. چپ اسلامی بی ربطی خود نه فقط به کمونیسم بلکه به کل اعتراضات اجتماعی در ایران را نیز نشان میدهد و جایی در این مبارزات و اعتراضات ندارد و نخواهد داشت و از چپ بودن فقط اسمی از آنرا یدگ میکشد. این سنت عقب مانده را باید به حال خود رها کرد.

## کارگران تراورس راه آهن دست به اعتصاب سراسری زدند

کارگران تراورس روز ۱۱ تیرماه فراخوان اعتصاب سراسری دادند و روز ۳ مرداد در اسلامشهر تهران، کرج، لرستان، آذربایجان، زاگرس، شاهرود، دامغان و سمنان همزمان در اعتراض به پرداخت نشدن حداقل سه ماه معوقات مزدی در محل اشتغال خود تجمع کردند.

حدود ۱۱۱۱ کارگر شرکت تراورس در نواحی ریلی کشور با معضل دستمزدهای پرداخت نشده و قراردادهای موقت کاری و ناامنی شغلی

هماهنگی اعتصابات را در برخی شهرها ایجاد کرده اند. شوراها هماهنگی اعتصابات را باید همه جا ایجاد کرد و با شکل دادن به گروههای مدیای اجتماعی، اعتصابات سراسری را با قدرت و انسجام بیشتری سازمان داد.

## پیش بسوی اعتصابات سراسری

### حزب کمونیست کارگری ایران

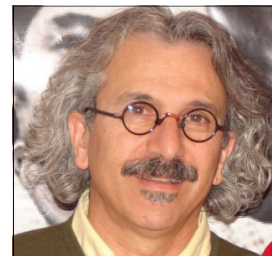
۴ مرداد ۱۳۹۷، ۲۶ ژوئیه ۲۰۱۸

روبرو هستند و بارها دست به اعتصاب و تجمع اعتراضی زده اند. کارگران «گسترش آهن راه» (نیز روز ۱۱ مرداد در کل مناطق آذربایجان دومین هفته اعتصاب خود را پشت سر گذاشتند. این اعتصابات از حوزه سلماس شروع شده بود و در طول هفته به حوزههای تبریز، صوفیان، عجبشیر، مرند و شفاخانه کشیده شد. این کارگران به عدم پرداخت حقوق معوقه، کاهش ضریب سختی کار و عدم تسویه مطالباتشان معترض هستند.

اعتصابات سراسری توسط بخش هایی از کارگران گسترش یافته است. اعتصاب رانندگان کامیون نیز نمونه ای از یک اعتصاب قدرتمند سراسری را به نمایش گذاشته است. رانندگان کامیون دست به ابتکار جالبی زده و شورای

## حقوق بشر و قانون اساسی

پرسش‌هایی از علی جوادی



**در پی خیزش دیمه ۹۶ باور عمومی بر این است که جمهوری اسلامی به پایان کار خود نزدیک شده است. این وضعیت مباحث مختلفی را دامن زده است. یکی از این موضوعات، گفتمان قانون اساسی آتی است. از اصلاح طلبان خارج حکومت تا رضا پهلوی و ... بر اعلامیه حقوق بشر بعنوان مبنایی برای تلویح قانون اساسی پسا جمهوری اسلامی تأکید میکنند. در این مورد پرسش‌هایی را با علی جوادی در میان می‌گذاریم.**

**خلیل کیوان:** بنظر شما پرداختن به این موضوع مادام که جمهوری اسلامی هنوز ساقط نشده است ضرورتی دارد؟

**علی جوادی:** اجازه دهید قبل از پاسخ به سئوالتان اشارات مختصری به بحران لاعلاج حکومت اسلامی و فاکتورهای تعیین کننده روندهای سیاسی آتی بکنم. همانطور که اشاره کردید، رژیم اسلامی در سرایشی سقوط است و پروسه خلاصی از آن عملاً آغاز شده است. رژیم گرفتار بحران عظیمی است؛ بحران سرنگونی، بحران بود و نبود. اساسی ترین زمینه بحران جمهوری اسلامی اقتصاد است. این واقعیت که رژیم اسلامی به لحاظ اقتصادی عملاً به بن بست رسیده است و در حالت فلج اقتصادی بسر میبرد، دیگر

اجتماعی هم رژیم اسلامی درگیر یک بحران لاعلاج است. تصویری که مردم از زندگی و آینده خود دارند با مختصات و ویژگی های این حکومت در تناقض است. مردم یک حکومت غیر مذهبی و آزاد و مدرن و امروزی میخواهند. طرح اسلامیزه کرده جامعه عملاً شکست خورده است. از هر منفذی ضدیت با اسلام و سنتهای کثیف اسلامی فوران میزند. بی جهت نیست که حتی سران رژیم هم هر کدام به طریقی وحشتشان را از عاقبت روند سیاسی - اعتراضی، که آغاز شده است، اعلام میکنند. تردیدی نیست، رژیم اسلامی رفتنی است. نتیجتاً باید به چگونگی سرنگونی رژیم اسلامی و آینده پس از حکومت اسلامی پرداخت. بحث پیرامون قانون اساسی حکومت پس از رژیم اسلامی یکی از مباحثی است که در این راستا مطرح است.

پرسیدید آیا پرداختن به این بحث ضرورت مادام که حکومت اسلامی سرنگون نشده است، ضرورتی دارد؟ پاسخ من یک آری مشروط است. آری، به این دلیل که جنبش کمونیسم کارگری و نیروهای سیاسی ای که به اردوی آزادی و برابری و رفاه در جامعه تعلق دارند، باید تصویر روشن و زنده ای از مختصات و ویژگی ها و خطوط عمده حکومت و جامعه مورد نظر خود، بنیانهای اقتصادی حاکم بر جامعه، حقوق و آزادیهای فردی و مدنی، بطور کلی قوانین و مقرراتی که باید بر جامعه حاکم باشد، داشته باشند. به عبارت دیگر اردوی آزادیخواهی و رهایی انسان علاوه بر آنچه که نمیخواهد باید تصویر روشنی از آنچه که میخواهد و باید به اصول و مقررات حاکم بر جامعه تبدیل شود، داشته باشد. پرداختن به این سطوح از بحث برای تعمیق مختصات جنبش ما در صفوف طبقه کارگر و همچنین کل جنبش آزادیخواهی امری ضروری است. در این چهارچوب بنظر

حزب کمونیست کارگری باید خطوط عمده قانون اساسی یک جامعه آزاد و برابر و عاری از فقر و فلاکت و استثمار، جامعه ای که دست مذهب در آن از زندگی مردم کوتاه شده است، دولت و سازمان اجتماعی جامعه در قبال تک تک شهروندان مسئول است، هدف فعالیت اقتصادی رفاه و سعادت همگان است، جامعه ای که شهروندان جامعه در ارگانهای توده ای خود، شوراهای مردمی، متشکل میشوند و سرنوشت جامعه را از کانال مشارکت روزمره در تمامی امور در دست میگیرند، تهیه و تدوین کند.

اما پرداختن به این مساله هر چند یک ضرورت سیاسی است، اما الزاماً در صدر اولویتهای ما قرار ندارد و یا حداقل حلقه گرهی در شرایط حاضر نیست. چرا که تدوین قانون اساسی به لحاظ عملی اقدامی پس از سرنگونی حکومت اسلامی است. و مساله تعیین کننده در سرنوشت خود قانون اساسی آتی این است که کدام نیروی سیاسی در راس جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم رژیم اسلامی را سرنگون میکند. آیا چپ و نیروی اصلی این چپ یعنی کمونیسم کارگری در راس جنبش سرنگونی و با حمایت جنبش آزادی و رهایی زن، جنبش خلاصی فرهنگی و جنبش شورایی کارگری میتواند رژیم را به زیر بکشد یا نه؟ راست جامعه، اپوزیسیون پرو غربی و متحدین بین المللی شان در پس تحولاتی از بالای سر مردم، با بند و بست و هزار توطئه و مهندسی افکار عمومی قادر خواهند شد، خود و آلترناتیو خود را به جامعه حقه کنند؟ نکته من این است که سرنوشت قانون اساسی پیش از پروسه عملی تدوین آن در چنین پروسه ای رقم خواهد خورد. تدوین قانون اساسی جامعه یکی از حلقه های آخرین مبارزه ما برای استقرار جامعه ای آزاد و برابر و انسانی و مرفه است. به این اعتبار عمده تلاش ما در

شرایط حاضر سازماندهی و رهبری جنبش سرنگونی است. این آن حلقه کلیدی است که حزب کمونیست کارگری در شرایط حاضر بر آن تأکید میکند. شکل دادن به شوراهای سازماندهی اعتراضات در هر گوشه و کناری و در جامعه. آینده را با در دست گرفتن چنین حلقه ای میتوان شکل داد.

**خلیل کیوان:** چرا جریانات راست در تدوین قانون اساسی بر اعلامیه حقوق بشر تأکید میکنند؟

**علی جوادی:** بنظر من نه "تاکیدشان" در این راستا چندان جدی است، نه بدون قید و شرط است و نه اصولاً چنین تاکیدی را باید جدی گرفت. واقعیت این است که جریانات راست در اپوزیسیون در اساس به دو جنبش سیاسی - اجتماعی متفاوت تعلق دارند. اما هر دو راست و محافظه کار هستند. در یک سوی این طیف جنبش راست محافظه کار پرو غربی است که نیروی اصلی اردوی راست است. و در سوی دیگر بخشهایی از جنبش ملی - اسلامی قرار دارند که با قطعی شدن سقوط و سرنگونی رژیم اسلامی هر چه بیشتر خود را در "اپوزیسیون" تعریف میکنند. کلاً اردوی یک دستی نیستند. تکیه بر بیانیه حقوق بشر یکی از گرایشات و تمایلاتی است که بعضاً در این چهارچوب مطرح است. گرایشاتی در این اردو بر خود قانون اساسی حکومت سلطنت و جنبش مشروطه تأکید میکنند، برخی دیگر هنوز بر اصلاح قانون اساسی حکومت اسلامی و برخی بر ترکیبی از هر سه سند، تأکید دارند. اما در کنار این "تأکیدات" ما شاهد این هستیم که شبانه روز بر "تمامیت ارضی" ایران و در حال جنگ و دندان کشیدن به رقبای قوم پرست خود است. و دیگری در تکاپوی این است که چگونه بخشهایی از رژیم اسلامی را از زیر ضرب مردم خارج کند.

اما واقعیت این است که "تأکید" بر "اعلامیه حقوق بشر" قبل از آنکه نشان

## حقوق بشر و قانون اساسی

تمایلات واقعی و مطالباتی این جریانات باشد، پرچم اعلام وفاداری به سیاستهای اردوی سرمایه داری پیروز در جنگ سرد در دوران پسا بلوک شرق است. امروزه ما نیروهای بسیاری را می بینیم که ذره ای آزادیخواهی و تمدن و برابری طلبی در وجودشان با هزار میکروسکپی پیدا نمیشود، اما خود را مدافع "حقوق بشر" و اعلامیه حقوق بشر میدانند. اعلامیه حقوق بشر برای این جریانات مانند مارک و نشان کیف و کفش و لباسی است که باید داشته باشند. خود بشر برای این جریانات موجوداتی هستند که باید کار کنند و برای اقلیت استثمارگر جامعه تولید سود و سرمایه کنند. بطور مثال جریاناتی که "سلطنت را موهبتی الهی" میدانند، برای "بشر" علی العموم ذره ای حقوق در تعیین نوع حکومت قائل نیستند، چه برسد به اینکه بخواهند حکومتی بر مبنای مفاد مندرج در این بیانیه شکل دهند. و یا جریاناتی که از حکومت اسلامی در دورانهایی متفاوت دفاع کرده اند، یک اپسیلون پایبندی به حقوق و آزادی های فردی و مدنی انسانها ندارند. برای این جریانات "حقوق بشر" آن کاغذ کادویی است که باید به دور سیاستهای راست خود بپیچند تا خود را "مردم پسند" جلوه دهند. برآستی چقدر میتوان تاکیدات "حقوق بشری" سلطنت طلبان دو آتش را جدی گرفت؟ چقدر میتوان "تعهد" جریانی مانند مجاهدین خلق را به "حقوق بشر" جدی گرفت؟ و یا چقدر میتوان اعلام "پایبندی" جریانات اکثریتی - توده ایستی را به "حقوق بشر" یک شوخی بی مسما و یا مزاح قلمداد نکرد؟

اما بگذارید برای لحظه ای هم که شده فرض کنیم که این "تاکیدات" جدی است. بگذارید برای لحظه ای هم که شده این تبلیغات را "جدی" بگیریم. در این صورت چه میتوان گفت؟ این

## از صفحه ۱۱

جریانات مستقل از اینکه دارای تمایلاتی هستند، سلطنت طلب یا جمهوریخواه و یا فرقه ای مذهبی هستند، در یک مساله مشترکند. همه مدافع حکومت سرمایه و سرمایه داری در ایران هستند. و بعضا حکومت اسلامی را مانعی در جهت رشد و گسترش مناسبات اقتصادی سرمایه داری در ایران قلمداد میکنند. و همین مساله به تنهایی حکم بر این واقعیت میدهد که این جریانات علیرغم هرگونه "تاکید" و یا اظهار تمایلی به مفاد بیانیه حقوق بشر، نمیتوانند سیستمی جز استبداد سیاسی، حال از نوع سلطنتی و یا اسلامی و یا ترکیبی از هر دو ایجاد کنند. نظر به این واقعیت ساده که سرمایه داری در ایران با آزادی قابل جمع نیست. نمیتوان پرچمدار حاکمیت بلامنازع سرمایه بر مقدرات زندگی مردم در ایران بود و در عین حال مدعی ذره ای آزادی و آزادیخواهی بود.

مساله این است که حکومت سرمایه در ایران مستقل از هر شکلی که داشته باشد، چه سلطنت و چه جمهوری، نمیتواند مدافع آزادی های فردی و سیاسی در جامعه باشد؟ چرا که حقوق و آزادیهای فردی و مدنی، آزادیهای بی قید و شرط بیان و عقیده، آزادیهای بی قید و شرط سیاسی، آزادی مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تحزب، و تشکل، آزادی نقد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی، مذهبی، و اخلاقی جامعه جزئی از حقوق تضمین شده مردم و مبنای کارکرد متعارف و روزمره جامعه در آلترا تیبو اپوزیسیون راست نبوده و نخواهد بود. چرا که کارکرد سیستم سرمایه داری در ایران به لحاظ سیاسی مستلزم برقراری اشکال نهادینه شده استبداد و بی حقوقی و سانسور و محدودیت و ممنوعیت احزاب آزادیخواه و کمونیست و غیر قانونی بودن اعتصاب کارگر و تظاهرات ضد حکومتی است. یک حکومت حتی به

ظاهر "دمکراتیک" بورژوازی یک ساختار سیاسی روتین و پایدار کاپیتالیسم در ایران نیست. چرا که دستپخت بورژوازی در ایران فقط حکومتهای استبدادی چه از نوع سلطنتی آن و چه از نوع اسلامی میتواند باشد.

واقعیت دیگر این است که تاریخ حیات سیاسی بورژوازی ایران، تاریخ استبداد سیاسی، سرکوب و بی حقوقی مطلق مردم بوده است. هرگونه تلاش مردم برای کسب آزادی و حقوق مدنی در این سیستم ها سرکوب شده و سرکوب خواهد شد. سرمایه داری غیر سرکوبگر، غیر مستبد، حتی در خواب بورژوازی ایران نیز دیده نشده است. چنین پدیده ای در تاریخ سیاسی ایران یک تناقض در کلام است. واقعیت این است که بی حقوقی سیاسی، سانسور، دستگاه سرکوب و اختناق و شکنجه در ایران نه تصادفی بوده و نه ناشی از خلق و خوی فردی عناصر حاکمیت چنین سیستمی است. استبداد یک نیاز و ضرورت پایه ای کارکرد نظامی است که کل بورژوازی در برابر کارگر و مردم کارکن ایجاد کرده است. استبداد ضرورت سیستم سرمایه داری مبتنی به "اقتصاد کار ارزان" بورژوازی ایران است. برخلاف ادعاهای پوچ آقای رضا پهلوی و مدافعین سلطنت، استبداد محمد رضا شاهی ناشی از "قبول مسئولیت های بیش از حد" توسط ایشان نبود. برخلاف ادعاهای رضا پهلوی ساواک ایشان محصول "تداخل" حوزه عملکرد دستگاه سلطنت و دستگاه اجرایی حکومت نبود. ناشی از خصلت "دیکتاتور پرور" فرهنگ مردم نبود. بر عکس حفظ و سرپا نگهداشتن حاکمیت سیاسی بورژوازی در ایران مستلزم ایجاد سیستمی دیکتاتوری و استبدادی بود و هست. از این رو نه استبداد شاهی تصادفی بود و نه استبداد عنان گسیخته حکومت اسلامی. استبداد هر حکومت بورژوازی دیگری هم تصادفی نخواهد بود. نیاز به دیکتاتوری از مشخصات پایه

ای گردش اقتصاد سرمایه داری در ایران است. این حکم انباشت و ملزومات سرمایه در ایران است. رضا پهلوی و برخی از مدافعین سلطنت و حکومت بورژوازی در ایران جامعه سوئد و دانمارک را با سلطنتش، با موقعیت احزاب و حقوق کارگر و شهروندی به مردم وعده میدهند. اما با توجه به آنچه گفته شد فیلیپین و ترکیه و مراکش و پاکستان نمونه های واقعی تر و نزدیکتری برای بورژوازی در ایران هستند. تنها حکومتی که بنیادهای اقتصادی و استثمارگرایانه سرمایه داری را در هم بکوبد قادر خواهد بود که یک جامعه آزاد و برابر و انسانی را برای همگان سازمان دهد.

اما اعلامیه حقوق بشر، علیرغم این که جریانات راست اپوزیسیون در اعلام وفاداری خود به آن جدی باشند، یا نباشند، علیرغم نقد پایه ای که بنیاد اقتصادی و سیاسی آن داریم، دارای مفادی است که بعضا قابل دفاع است. بیانیه ای است که حاصل تلاش لیبرالیسم بورژوازی در دوره ای از تحولات تاریخی است. اما چنین بیانیه ای از نقطه نظر ما نمیتواند مبنای تدوین قانون اساسی جامعه باشد. واقعیت این است که "برای یک دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری دارای آن چنان اصول و موازین و مقرراتی است که بمراتب آزادیخواهانه تر، بمراتب برابری طلبانه تر و انسانی تر از آن چیزی است که در بیانیه حقوق بشر به عنوان "حقوق" انسانها تدوین شده است. بیانیه حقوق بشر، برای گرایش بورژوا لیبرال (پدیده ای که کمتر در تاریخ سیاست ایران دیده شده است) در سطح جهان یک غایت سیاسی است، اما ملاک و مبنایی برای آزادیخواهی و انسانگرایی ما کمونیستهای کارگری نیست. محدود است. بیانیه ای برای حقوق "بشر" از زاویه بورژوازی صاحب سرمایه در جهان سرمایه داری است. بشری که زندگی و مقدراتش از پیش به اسارت سرمایه در آمده است. بشری

که آزاد و رها و برابر نیست. ناچار و مقید است. ناچار است تا نیروی کار خود را در بازار برای تامین معاش به فروش برساند تا زنده بماند. بشری که اسیر عملکرد اقتصادی سرمایه در جهان معاصر است.

**خلیل کیوان:** بنظر شما آیا این تاکید امروز رضا پهلوی و دیگر جریانات راست بر حقوق بشر پیشرفتی به نسبت شرایط وحشتناکی که امروز در کشور حاکم است، و حتی نسبت به رژیم گذشته که بخاطر سرکوب گسترده مخالفین خود به گورستان آریامهری معروف شده بود را نباید به فال نیک گرفت؟

**علی جوادی:** بنظر من خیر! جریانات راست موجود در اپوزیسیون بمنظور اینکه مقبولیتی به خود دهند، بعضا چنین ظاهری به خود میگیرند. اما ما این جریانات را بهتر میشناسیم. آیا تاکنون دیده اید که جریان پهلوی حتی برای دلخوشی تاریخ هم که شده باشد، نقدی به ساواک و شکنجه گاهایش کرده باشد؟ آیا شنیده اید که این جریان سیستم تک حزبی، رستاخیزی پدرشان را نقد کرده باشند؟ آیا هرگز شنیده اید که این جریانات نقدی به اعدامها و شکنجه گاههای این حکومت کرده باشند. آیا دیده اید که این جریانات نقدی به قانون سیاه رضا خانی و استبداد عنان گسیخته پدر بزرگشان کرده باشند؟ اگر کسی ندیده است و نشنیده است، نتیجتا نباید این تبلیغاتشان را جدی گرفت.

**خلیل کیوان:** شما میگویید که این اعلامیه نکات مثبتی دارد اما نمی تواند مبنایی مناسب برای قانون اساسی کشور باشد. دلایل شما چیست؟ از نظر شما قانون اساسی بعدی چه مشخصاتی باید داشته باشد؟

ببینید بیانیه حقوق بشر، بیانیه آزادی و برابری انسانها نیست. بیانیه رهایی انسانها از قید و بند مناسبات طبقاتی و اجتماعی در جامعه



## اعتراضات کارگری به موازات خیزش های شهری ادامه دارد

- کارگران پتروشیمی بندرامام برای سومین روز متوالی دست به اعتصاب زدند

در حالی که میلیون ها خانواده کارگری چند بار زیر خط فقر زندگی میکنند و میلیون ها جوان بیکار از هر گونه بیمه و کمک هزینه ای محرومند، هر روزه خبرهای بیشتری از اختلاس ها و رانت بازیهای میلیاردی و مخارج سرسام آور نهادهای مذهبی و سرکوبگر و غارت منابع کشور منتشر میشود. اعتصابات کارگری بخشی از جنبش سرنگونی است که حکومت را در مخمصه گذاشته است. اعتصابات را باید گسترش داد و سراسری کرد. کمیته های اعتصاب و شوراهای سازماندهی اعتراضات را باید همه جا ایجاد کرد. شوراهای هماهنگی اعتصابات کامیونداران نمونه خوبی از سازماندهی، هماهنگی و اعتصاب سراسری است.

### حزب کمونیست کارگری ایران

۲ مرداد ۱۳۹۷، ۲۵ ژوئیه ۲۰۱۸

به حوزه های تبریز، صوفیان، عجبشیر، مرند و شفاخانه کشیده شده است. کارگران به عدم پرداخت حقوق، کاهش ضریب سختی کار و عدم تسویه مطالباتشان از طرف کارفرمای سابق این شرکت (تراورس) اعتراض دارند.

- دامنه این اعتراضات محدود به آذربایجان نشده و روز ۳۱ تیرماه گروهی از کارگران تراورس در منطقه اسلامشهر تهران در محدوده ایستگاه راه آهن تجمع کردند.

- کارگران و کارکنان شرکت های پتروشیمی روبروی شرکت بندر امام در اعتراض به عدم پرداخت حقوق دست به اعتصاب زدند.

- صیادان میگو در اعتراض به عدم مجوز خروج در مقابل فرمانداری این شهر دست به تجمع زدند.

- کارگران شهرداری مرکزی آبادان در اعتراض به نپرداختن حقوق شان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

اعتصاب که از اول مرداد شروع شده بود در روز دوم مرداد نیز ادامه یافت.

### ۲ مرداد:

- کارگران راه آهن زاگرس در اعتراض به عدم پرداخت سه ماه حقوق اعتصاب کرده و در مقابل اداره کل راه آهن در اندیشک تجمع کردند.

- جمعی از کارکنان قراردادی شرکت هواپیمایی کارون- نفت در اعتراض به تعلیق و اخراج در مقابل شرکت هواپیمایی خوزستان دست به تجمع زدند.

- پرسنل بیمارستان امام خمینی کرج برای دومین بار در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق خود تحصن کردند.

### ۳ مرداد:

- اعتصاب کارگران گسترش راه آهن منطقه آذربایجان دو هفته است دست به اعتصاب زده اند. اعتصابات از حوزه سلماس شروع شده و پس از چند روز

میایستیم حمونو میگیریم، "کارگر میمیرد، ذلت نمیپذیرد"، "یه اختلاس کم بشه، سنوات پرداخت میشه"، صدای اعتراضشان را بلند کردند.

### ۱ مرداد:

- کارگران اخراجی شرکت پتروشیمی بندرماهشهر با خواست بازگشت فوری به سر کار در مقابل این شرکت تجمع اعتراضی برگزار کردند.

- کارشناسان بیمه کشاورزی در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی در اعتراض به عدم استخدام خود دست به تجمع زدند.

- کارگران راه آهن اسلامشهر در اعتراض به عدم دریافت سه ماه حقوق و مزایا دست به اعتصاب زدند.

- کارکنان بیمارستان خمینی کرج با خواست پرداخت فوری هشت ماه حقوق و مطالبات معوقه دست به اعتصاب زدند.

تجمعات و اعتراضات کارگری در مراکز و شهرهای مختلف جریان دارد و پابپای تظاهرات ها و خیزش های شهری در حال گسترش است.

### ۲۹ تیر:

- کارگران، مهمانداران و ماموران فنی پشتیبانی شرکت رجا دست به تجمع اعتراضی زدند. اعتراض ۲۰۰۰ کارگر رجا که تحت مسئولیت چندین شرکت پیمانکاری به کارهای خدماتی مشغولند، به نپرداختن دستمزدها و نداشتن ایمنی شغلی است.

### ۳۰ تیر:

- جوشکاران ساختمانی در مشهد با خواست افزایش دستمزد متناسب با گرانی و تورم دست به اعتصاب زدند.

- کارگران بازنشسته کیان تایر در ادامه تجمعات قبلی خود و در اعتراض به عدم پرداخت حق سنوات در مقابل وزارت صنعت و معدن تجمع کردند. در این تجمع اعتراضی کارگران با شعارهایی چون "میایستیم

## حقوق بشر و قانون اساسی

نیست. بیانیه ای مبتنی بر انسانگرایی در جامعه نیست. بیانیه ای برای خلاصی از فقر و فلاکت و نابرابری نیست. بیانیه حقوق حداقل شهروندی در چهارچوب اقتصاد و مناسبات سرمایه داری است. برخی از مفاد این بیانیه اگر چه صدها مرتبه از قوانین اساسی رژیم سلطنتی و اسلامی برتر است، اما در مقایسه با اصول مندرج در برنامه "یک دنیای بهتر" به شدت عقب و ناقص و متضمن نابرابری اقتصادی و اجتماعی شهروندان جامعه است. بعلاوه در بیانیه حقوق بشر، اشارهای به مجازات ضد انسانی اعدام

## از صفحه ۱۲

ندارد. اشاره ای به حق حیات انسانها در جامعه ندارد. اشاره ای به یک حکومت سکولار و آزاد و مدرن ندارد. آزادیهای سیاسی بی قید و شرط، خلاصی از شر حکومت های مذهبی و سلطنتی یک حقوق شناخته شده در این بیانیه نیست. بیانیه حقوق بشر، کوچکترین اشاره ای نسبت به اینکه برخورداری از رفاه و شادی حق همگان و حق "بشر" است، ندارد. و مهمتر از همه، بیانیه حقوق بشر، مدافع مناسبات سرمایه داری است. همین یک قلم یعنی، شکا طبقاتی، یعنی حفظ منشاء نابرابری و فقر و فلاکت

## موجود در جامعه .

بنظر من قانون اساسی جامعه ای آزاد و انسانی در درجه اول باید تکلیف جامعه را با مناسبات اقتصادی حاکم بر جامعه روشن کند و به این سوال پاسخ دهد که هدف از فعالیت اقتصادی در جامعه چیست؟ آیا هدف تولید سود و انباشت ثروت برای سرمایه دار است یا هدف فعالیت اقتصادی رفیع نیازمندیهای متنوع و گسترده همگان در جامعه است. آیا سازمان اجتماعی حاکم بر جامعه حق شهروندان از برخوردی از یک زندگی مرفه را حق تخطی ناپذیر همگان در جامعه به حساب

می آورد یا نه؟ نمیتوان شهروند آزاد و برابر و متساوی الحقوق بود، اما در چنگال سرمایه به اسارت گرفتار باشیم. قانون اساسی جامعه باید متضمن آزادیهای وسیع و همه جانبه و بی قید و شرط باشد. هیچ قید و شرطی و محدودیتی بر آزادی بیان و نقد همه جوانب مذهبی و ملی و قومی جامعه نباید وجود داشته باشد. قانون اساسی جامعه باید متضمن برابری حقوقی و اجتماعی افراد در جامعه باشد. برابری مطلق زن و مرد و رفع هر گونه تبعیض. اما برابری نه صرفا در حقوق و آزادیهای فردی و مدنی، بلکه برابری در برخورداری از امکانات و

مواهب موجود در جامعه. از هر کس به اندازه استعدادش و به هر کس به اندازه نیازش یک اصل پایه ای یک جامعه انسانی مورد نظر ما است. قانون اساسی جامعه باید متضمن کوتاه کردن تعرض دستگاه مذهب به زن و کودک و شهروندان جامعه باشد. قانون اساسی جامعه باید تضمین کننده یک زندگی شاد و خلاق و انسانی برای همگان باشد. اعلامیه "حقوق بشر" فاقد چنین محورهای اساسی در زندگی انسانها است. برای "بشر" جامعه طبقاتی با بالادست و فرو دست تدوین شده است. ما نیازمند قانون اساسی دیگری و از جنس دیگری هستیم.

www.wpiran.org

www.rowzane.com

سایت حزب:

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

www.anternasional.com

سایت کانال جدید:

نشریه انترناسیونال:

## شوراهای سازماندهی اعتراضات را در همه جا ایجاد کنیم

حکومت اسلامی آشکارا مستاصل است و در بحران لاعلاج دست و پا میزند. توان کنترل جامعه به شکل سابق را ندارد. مردم نیز نشان داده اند که تحمل این شرایط را ندارند. باید مبارزات مان را سازمان یافته و سراسری کنیم. یک ابزار مهم هدایت و سازماندهی مبارزات در این شرایط، شوراهای سازماندهی اعتراضات است. شوراهای سازماندهی میتوانند در همه محلات و شهرها ایجاد شوند و اعتراضات مردم را رهبری کنند، مردم را حول خواست های سیاسی و رفاهی و حول خواست های آزادیخواهانه و عدالت طلبانه متحد نگهدارند و نقش رهبری میدانی مردم را بعهده بگیرند. اکنون وقت سازماندهی اعتراضات شهری در سراسر کشور است.

حزب کمونیست کارگری فعالین سیاسی و اجتماعی و فعالین و رهبران کارگری و جوانان معترض را فرامیخواند در هر شهر و محلی که میتوانند، شوراهای سازماندهی اعتراضات را ایجاد کنند، جوانان و مردم معترض و پرشور را در این شوراها جمع کنند و با استفاده از روابط و امکانات خود و با استفاده از مدیای اجتماعی حلقه تماس خود با مردم شهر را گسترش دهند.

### زنده باد شورای سازماندهی اعتراضات در سراسر کشور

### رانندگان کامیون بار دیگر اعتصاب سراسری خود را شروع کردند رانندگان شورای هماهنگی اعتصاب تشکیل دادند

محلات مختلف تاکید میکنند و همه فعالین جنبش کارگری و فعالین اجتماعی را فرامیخواند که با تمام قوا سازماندهی مردم در سراسر کشور را در دستور خود قرار دهند.

پیش بسوی اعتصابات و  
اعتراضات سراسری

زنده باد شورای هماهنگی  
اعتصاب رانندگان

زنده باد شورای سازماندهی  
اعتراضات

حزب کمونیست کارگری ایران

۲ مرداد ۱۳۹۷، ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۸

فقر و بیکاری و گرانی و سرکوب و بیحقوقی، نشاندهنده اوضاع طوفانی جامعه و شکل گیری انقلاب عظیمی است که علیه جمهوری اسلامی در چشم انداز قرار دارد.

دوماه قبل رانندگان گفتمان اعتصاب سراسری را دامن زدند و اینبار با ایجاد شورای هماهنگی اعتصاب، پرچم سازماندهی اعتصابات سراسری را در جامعه برافراشتند. اعتصابات سراسری امروز یک اهم مهم جنبش سرنگونی است. همه جا در مراکز کار و در شهرهای مختلف باید امر اعتراضات و اعتصابات سراسری را سازمان داد. حزب کمونیست کارگری بر ایجاد شوراهای سازماندهی اعتراضات در شهرها و

جاده ها، نقش دلالت ها و فساد و زورگویی و رشوه خواری ماموران.

اعتصاب رانندگان با موجی از حمایت مردم در سراسر کشور مواجه شده است. مردم این نوع اعتصابات را نشانه پیشروی خود برای دست زدن به انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای انسانی میدانند. این اعتصاب در عین حال نشانه بحران و از هم گسیختگی اقتصادی است که نه تنها نشانه ای از فروکش ندارد بلکه هرروز عمیق تر میشود و ابعاد فقر و گرانی و بیکاری را بیشتر میکند. اعتصاب عمومی کامیونداران در کنار اعتراضات گسترش یافته مردم علیه مصائب مختلف از مشکل آب و برق تا

رانندگان کامیون بار دیگر در سراسر کشور دست به اعتصاب زدند و در بیانیه ای خواست های خود را اعلام کردند. این دومین اعتصاب سراسری رانندگان کامیون در دوماه گذشته است. در روزهای اول خرداد رانندگان در بیش از □□□ شهر دست به اعتصاب زدند اما وعده هایی که مقامات به آنها دادند توخالی بود و مشقات رانندگان کامیونها نسبت به دو ماه قبل نیز بیشتر شده است.

اعتصاب که از روز اول مرداد شروع شده شهر به شهر در حال گسترش است. طبق گزارشات مختلف رانندگان کامیون در استان های تهران، آذربایجان شرقی، کردستان، اصفهان، فارس، سمنان، قزوین، کرمان، کرمانشاه، لرستان، مرکزی، خراسان رضوی، چهار محال بختیاری، خوزستان، هرمزگان، سیستان و بلوچستان، زنجان، گلستان و مازندران و برخی دیگر از استانها دست به اعتصاب زده اند. اعتصاب در حال گسترش است.

رانندگان اینبار با تجربه بالاتری نسبت به اوایل خرداد دست به اعتراض زده اند. خواست های خود را در بیانیه ای اعلام کرده اند و شورای هماهنگی اعتصاب را در تعدادی از شهرها ایجاد کرده اند. گروههای تلگرامی آنها گسترش یافته و هماهنگ تر، سازمانیافته تر و متحدتر وارد اعتصاب شده اند. اعتصاب رانندگان اعتراضی است برای افزایش حقوق رانندگان و بهبود شرایط بیمه و بازنشستگی، حق ایجاد تشکل و انتخاب آزادانه نمایندگان خود، ایجاد تسهیلات رفاهی و بهداشتی در پایانه های شهری و مرزی، علیه فقر و گرانی، نامنی

